

۱۵

سلسله نشست های روایت عهد

محمد
رسول الله
صلی الله علیه
وآله و سلم



استاد علی اکبر رائفی پور

Mr. Ali Akbar Raefipour

University Professor and Researcher

خدا وسیله ای برای کثرت آفرید و او آقارسول الله بود.
رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ است، یعنی از سر رحمتش تمام جهان را خلق کرد.
قبل از اینکه پیغمبر به دنیا بیاید، حتی ۶۰ هزار سال قبل از اینکه
چیزی آفریده شود، خدا روح او را آفریده بود. این را انجیل برنابایی
می گوید که قرن اول هجری بوده است.

استاد رائفی پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روایت عہد ۱۵

محمد رسول اللہ ﷺ

علی اکبر رافعی پور

۳۰ شہریور ۱۳۹۱



جنابش مصاف

تقدیم بہ

محضرِ پاکت کہ محور، ہستی ثنایی و

بدون محور، عالم کردشی ندارد و زمین

واہلش بدون ثما، نقطہ اسی پابرجا نیست.

فهرست مطالب

مقدمه ۶

فصل اول: پیامبر ﷺ در عهد عتیق

کتاب سفر پیدایش و تثئیه ۱۳
کتاب اشعیای نبی ۲۹

فصل دوم: پیامبر ﷺ در عهد جدید

کتاب انجیل یوحنا ۳۹
کتاب انجیل متی ۴۶
کتاب انجیل یوحنا ۵۱
کتاب انجیل برنابا ۵۲
کتاب غزل غزل‌های سلیمان ۵۸
کتاب حزقیال نبی ۵۹
کتاب مراثنی ارمیای نبی ۶۰
کتاب هوشع نبی ۶۰
کثرت ۶۱
دعای فرج ۶۳
منابع ۶۵

مقدمه

خدمت شما، برادران و خواهران گرامی عرض سلام و ادب و احترام دارم. خداوند متعال را شکر می‌کنم از اینکه بار دیگر در خدمتتان هستم. خدمت برادر مسلمان و دوست گرامی خودم آقای سام بای خوش‌آمد عرض می‌کنم. از اینکه به جمع ما تشریف آوردند خوشحال هستیم. نزدیک‌شدن به میلاد مسعود آقا امام‌رضا (علیه‌السلام) و دهه کرامت^۱ و همچنین میلاد مبارک حضرت معصومه (علیها‌السلام)^۲ که گذشت و روز دختر را خدمت دختران گرامی‌ای که حضور دارند تبریک عرض می‌کنم. همچنین تسلیت می‌گوییم بابت این فیلمی که ساخته شد^۳ و واقعاً دل همه ما را آزد، اما "هیچ طرفی نخواهند بست."^۴ در قرآن داریم:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۵

و در جای دیگر داریم:

﴿وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۶

قبل از اینکه صحبت درمورد آقا رسول‌الله را شروع کنم، یک توضیح کوتاهی درمورد این فیلم کوتاهی که ساخته شده است بدهم. نمی‌خواهم دیپلماتیک صحبت کنم، اما قطعاً چنین تحرکاتی، نتیجه عکس خواهد داشت. من در این هیچ

۱ فاصله زمانی یکم ذی‌القعدة سالروز ولادت حضرت معصومه (علیها‌السلام)، تا یازدهم ذی‌القعدة سالروز ولادت امام‌رضا (علیه‌السلام). با عنوان دهه کرامت نامگذاری شده که جشن‌ها و آیین‌های شادباش در سراسر ایران اسلامی و خارج از کشور برگزار می‌گردد.

۲ فاطمه معصومه (علیها‌السلام) مشهور به کریمه اهل بیت، دختر امام کاظم (علیه‌السلام) و خواهر امام‌رضا (علیه‌السلام) از پرهیزکارترین زنان شیعه بوده‌اند. مرقد ایشان در شهر قم در ایران است.

۳ اشاره به فیلم بی‌گناهی مسلمانان (Innocence of Muslims) که نام یک فیلم کوتاه ضداسلامی به نویسندگی و کارگردانی سام باسیل است.

۴ هیچ فایده‌ای نخواهند برد.

۵ سوره صف، آیه ۸: «می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند؛ درحالی که خدا کامل‌کننده نور خود است، گرچه کافران خوش نداشته باشند.»

۶ سوره صف، آیه ۹: «گرچه مشرکان خوش نداشته باشند.»

شکی ندارم، اما قبح شکنی در دستور کار این‌ها قرار گرفته است. بنده بارها این را عرض کرده‌ام. شما کسانی هستید که جلسات را می‌آید و سخنرانی‌ها را دنبال می‌کنید. دیدید که در دستور کار این‌ها بحث قبح شکنی قرار گرفته است. هم‌زمان که آن مستند در شبکه چهار^۱ بریتانیای^۲ خبیث پخش می‌شود، چهارپنج روز بعد از آن، سیزده دقیقه از این فیلم دوساعته را روی یوتیوب پخش می‌کنند. و هم‌زمان یک آهنگی در تمسخر عقیده انتظار^۳، یعنی در تمسخر تمام مردم دین‌مدار دنیا پخش می‌شود چون بسیاری از مردم دنیا که دین‌مدارند، منتظرند. آهنگ فارسی‌ای که توسط یک فرد معلوم الحال خوانده می‌شود. اصلاً بنا ندارم اسمش را هم بیاورم. این‌ها نشان می‌دهد که این طرح هماهنگ است، منتها در مورد این فیلم با توجه به اینکه ظاهراً توسط قبطنی‌ها^۴ ساخته شده است و این به قبطنی‌ها حداقل منتسب می‌شود، شورای جهانی قبطیان از این فیلم اعلام بیزاری کرد و گفت: «هیچ ربطی به ما ندارد.» منتها از این جهت که ساخته می‌شود، توجهات را به صورت ویژه به سمت مصر می‌برد، که آنجا اختلافی پیش بیاید.

در سخنرانی‌ای که جلوی سفارت سوئیس انجام دادیم گفتیم: «حالا شما منتظر باشید ببینید این‌طور می‌شود یا نمی‌شود.» که این‌ها به مقدسات مسیحیان حمله خواهند کرد و متأسفانه این مفتی^۵ دیوانه، ابواسلام^۶، انجیل را در مصر به آتش کشید، که این دعوا را به داخل بکشاند. این طرح، طرحی تمام صهیونیستی^۷ است، در این شک نکنید. صهیونیست‌ها از دعوای بین اسلام و مسیحیت سود می‌برند، از دعوای بین ادیان سود می‌برند. این یک چیز واضح و مشخصی است. قطعاً کسانی که این فیلم را ساختند مسیحی نیستند. اصلاً ما شک نداریم، این‌ها اسمشان مسیحی است. امروز خواهیم دید کسی که مسیحی واقعی باشد، لاجرم باید مؤمن به پیامبر آخرین باشد. ما اصلاً این بحث را از دید مسیحیان نمی‌بینیم. انجیل را کتابی پاک و مقدس می‌دانیم. تورات^۸ را کتابی پاک و مقدس می‌دانیم. کتاب خدا می‌دانیم. اما همان‌طور که قرآن گفته است در طول تاریخ تحریف‌هایی هم در این دو کتاب صورت گرفته است. نگاه ما منطقی است، اما هیچ مسلمانی به خودش اجازه نمی‌دهد که به این کتاب‌ها توهین کند.

۱ کانال ۴ انگلستان، یک تلویزیون سرویس-عمومی بریتانیایی است که از ۲ نوامبر ۱۹۸۲ شروع به کار کرد.

۲ بریتانیا، کشوری است واقع در اروپای غربی. پادشاهی متحد که از چهار بخش کشورهای انگلستان، اسکاتلند و ویلز و ایرلند شمالی تشکیل شده است.

۳ آهنگ سیزده هشت از محسن نامجو که در مذمت امام‌زمان^{علیه السلام} و فرهنگ انتظار است.

۴ "قبطیان" به مسیحیان مصر گفته می‌شود. آن‌ها از نسل قبطین حام بن نوح می‌باشند و از جزیره العرب به مصر هجرت کرده‌اند. در زمان حضرت موسی^{علیه السلام} گروه قبطنی در مقابل بنی اسرائیل بودند و به حضرت موسی^{علیه السلام} ایمان نیاوردند.

۵ مفتی، در اصطلاح به بلند مرتبه‌ترین روحانیون اهل سنت گفته می‌شود که حق دادن فتوا دارند.

۶ شیخ احمد محمد عبدالله مشهور به ابواسلام، از اندیشمندان و مبلغان تندروی سلفی مصر.

۷ صهیونیسم یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپا نمودن دولت یهود در فلسطین می‌باشد، دولتی که توسط آن تمام جهان را تصاحب کنند.

۸ پنج کتاب (یفر) اول از کتاب مقدس یا عهد عتیق مشهور به أسفار خمس که گاه به کل عهد عتیق اطلاق گردیده و مسیحیان و یهودیان به آن ایمان دارند.

جمهوری خواهان^۱ در آمریکا این بُل را گرفتند. هرچه اوضاع آمریکا در کشورهای دیگر خراب شود، چون دموکرات‌ها^۲ سرکار هستند به نفع جمهوری خواهان است. جمهوری خواهان شروع کردند روی این مسئله شدیداً مانور دادند. در حالی که ما می‌دانیم آن‌ها معمولاً رأی طیف مذهبی را در آمریکا دارند و از جمعیت ۷۰ میلیون اوانجلیستی^۳ که در آمریکا هستند، حدود ۲۰ میلیونشان رأی دارند. بچه‌هایشان را که کنار بگذارید، ۲۰ میلیون پای صندوق می‌آیند و بسیار بسیار مؤثر هستند. افرادی مثل جورج بوش^۴ را اوانجلیست‌ها سر کار آوردند. اوانجلیست‌ها از دعوای مسلمان‌ها با مسیحی‌ها سود نمی‌برند. عقیده آن‌ها این است که مسلمانان باید با یهودیان بجنگند، یعنی اهل جمعه^۵ و اهل شنبه^۶ به نفع اهل یکشنبه^۷ با هم بجنگند. منتها این اتفاق افتاده است، یعنی این‌جوری که بعضی‌ها می‌گویند: «کار جمهوری خواهان در آمریکا بوده است.» من این‌طور نمی‌بینم، چون دارم می‌بینم از قِبل این یک تضاد بسیار بزرگ در حال به‌وجود آمدن است. برای اینکه فشارها بر آمریکا کاسته شود، شما دیدید که فرانسوی‌ها هم بی‌انصافی کردند. دولت و حکومتی که روزنامه‌هایی را به‌خاطر زدن عکس‌های عروس ملکه انگلیس^۸ و نوه آن خاندان بلوکه کرده، اینجا می‌گوید: «آزادی بیان است!» اگر آزادی بیان است، یک نفر اگر جرأت دارد بیاید هولوکاست^۹ را یک نقد علمی کند. مثل آقای وینسنت^{۱۰} که یک مقاله دوازده صفحه‌ای نوشت که: «به لحاظ شیمی، گاز سیلیکون B این‌طور نخواهد شد.» یک بحث علمی مطرح کرد که او را به زندان انداختند. یا آقای زانڈل^{۱۱} که او را از آمریکا به کانادا و از کانادا به آلمان بردند و در آلمان زندانی‌اش کردند. یا آقای فوریسون^{۱۲} که به تهران آمد و در همین جلسات روایت عهد سخنرانی کرد و گفت: «ده مرتبه من را در خیابان مورد ضرب و شتم قرار دادند.» وقتی شما

۱ حزب جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا، یکی از دو حزب بزرگ این کشور است که طرفدار صنایع بزرگ و صاحبان آن‌ها می‌باشد.

۲ دموکرات، یکی از دو حزب بزرگ کشورهای متحد آمریکا که مدعی طرفداری از مردم کم‌مایه یعنی ارباب جزف و صنایع کوچک است (در مقابل حزب جمهوری خواه).

۳ مسیحیت انجیلی یا اوانجلیسم، شاخه‌ای از پروتستان‌تیسیم با گسترده‌گی جهانی است. در واقع همان مسیحیان صهیونیستند که معتقد به بازگشت مسیح (ع) هستند و خود را برای نبرد آرماگدون - که بنا به روایات دینی‌شان از اتفاقات آخرالزمان است - آماده می‌کنند. و فعالانه و جدی از ادعای یهودیان برای بازگشت به فلسطین و ساخت معبد سلیمان حمایت می‌کنند.

۴ George W. Bush: چهل و سومین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است.

۵ منظور از اهل جمعه، مسلمانان می‌باشند زیرا روز مقدس و روز عبادت مسلمین روز جمعه است.

۶ اهل شنبه یعنی یهودیان. قرآن مجید از برخی یهودیان قانون شکن به عنوان «اصحاب سبت» یاد می‌کند و آن‌ها را مورد نفرین قرار داده است؛ زیرا صید ماهی در روز شنبه بر آنان حرام بود ولی یهودیان از فرمان خداوند سرپیچی کردند.

۷ منظور از اهل یکشنبه، مسیحیان هستند. زیرا آنان معتقدند شهادت مسیح در روز جمعه بوده و آن حضرت سه روز بعد، روز یکشنبه از عالم مردگان برخاسته و به شاگردان خویش ظاهر شد.

۸ الیزابت دوم، ملکه سلطنتی بریتانیا که از سال ۱۹۵۲ میلادی به قدرت رسیده است.

۹ Holocaust: نظریه‌ای که ادعا دارد ۶ میلیون یهودی در طول جنگ جهانی دوم، بر اثر اعمالی از قبیل اعدام در اتاق‌های گاز و سوزاندن در کوره‌های آدم‌سوزی اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌های آلمان، کشته شده‌اند.

۱۰ Vincent Reynouard

۱۱ Ernest Zundel: تجدیدنظرطلب برجسته و فعال آلمانی‌الاصل مقیم کانادا و صاحب مؤسسه انتشاراتی سامیزدت (Samisdat) است که به نشر مطالب مربوط به واقعیت‌های جنگ جهانی دوم و رد هولوکاست می‌پرداخت.

۱۲ Robert Faurisson Aitken: مورخ و محقق مشهور منتقد هولوکاست که بارها به خاطر اظهارات خود در این باره مورد ضرب و شتم صهیونیست‌ها قرار گرفته است.

این‌ها را می‌بینید، متوجه می‌شوید که این آزادی بیان جوک است. این ماجرای حقوق بشر و آزادی بیان یک بهانه برای این کار است. اصلی‌ترین اتفاق همان بحث قبح‌شکنی و قبح‌زدایی از پیامبر اسلام ﷺ است. قانون اساسی این صهیونیست‌ها، یعنی کتاب آلیستر کراولی^۱ که ۱۹۰۴ نوشته شده است می‌گوید:

«با سر قوش‌ماندم به چشم‌های عیسی که بر صلیب آویخته است نوک می‌زنم و با بال‌هایم به صورت محمد می‌زنم و او را کور می‌کنم.»^۲

یعنی این‌ها برای قبح‌شکنی از حضرت مسیح علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله برنامه دارند. جالب است که یک آدم بی‌دین در بین این همه پیغمبر به دو تا پیامبر گیر داده است. «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا»^۳ یعنی این‌ها با دهان نجسشان اثبات می‌کنند که این پیامبران، الهی هستند، وگرنه چرا در بین این همه پیامبر و آیین، مثلاً به این بودا و بودیست‌ها^۴ و پیغمبر آن‌ها کاری نداشتند؟ چرا این طرف آمدند؟ برای اینکه آن‌ها در شک و شبهه هستند اما این حقیقت است و اثبات شده است و این‌ها می‌دانند.

فارابی^۵ و خواجه نصیرالدین طوسی^۶ در باب دموکراسی^۷ رساله‌هایی دارند. در آن‌جا پیش‌بینی کردند:

«در آینده از دل دموکراسی، جامعه جاهله بیرون می‌آید که از سر جهل در مقابل احکام الهی می‌ایستد و در نهایت جامعه فاسقه بیرون می‌آید که می‌داند و فسق می‌کند.»

این صهیونیسم، جامعه فاسقه است، و این آخر و انتهای این روند غلطی است که دموکراسی در پیش گرفته است و منجر به ظهور خواهد شد. چون دیگر هیچ ایده‌ای نیست، خداوند، زمین را جایگاه کسانی قرار نداده است؛ که بدانند خدا و پیامبر برحق هستند و در مقابل آن‌ها علنی بایستند، شک نکنید! و این‌ها نابود خواهند شد.

خوب است نذر کنیم. چهل روز، یا اگر بشود همه سال را نذر کنیم. مثل همان زیارت عاشورایی که نذر کردیم و گرفت. مثل دعای عهدی که نذر کردیم و گرفت و همه می‌خوانند. نماز اول وقتی که نذر کردیم و گرفت. نذر کنیم از این به بعد، روزی صدتا صلوات بفرستیم. در مترو دارید می‌روید، با انگشت‌هایتان بشمارید. این بهترین کاری است که می‌شود انجام داد و دهانمان را به نام نامی قطب عالم امکان، اشرف مخلوقات محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله خوش‌بو کنیم.

۱ Aleister Crowley: ادوارد الکساندر کراولی. نویسنده کتاب قانون، پایه‌گذار شیطان‌پرستی نوین و پدر بزرگ جرج بوش است. او به‌خاطر بنیان‌گذاری آیین تلما مشهور بود.

۲ آلیستر کراولی، «شریعت لیبرال»، ص ۲۲۰.

۳ «اشیاء از راه نقطه مخالف و نقطه مقابلشان شناخته می‌شوند و به وجود آن‌ها پی برده می‌شود.»

۴ آیین بودا یا بودیسم، دین و فلسفه‌ای مبتنی بر آموزه‌های سیدارتا گوتاما و از شاخه‌های آیین هندو است.

۵ ابونصر فارابی، ملقب به «معلم ثانی» مؤسس فلسفه اسلامی و انتقال‌دهنده منطق صوری یونانی به جهان اسلام نیز یاد می‌شود.

۶ محمد بن محمد بن حسن طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی و استاد البیرونی. شاعر، فیلسوف، متکلم، فقیه، دانشمند، ریاضیدان و منجم ایران در قرن هفتم هجری است.

۷ یک کلمه یونانی بوده که به مفهوم «حکومت مردم» می‌باشد.

می‌خواهم یک قول به شما بدهم. دیدید من در سخنرانی‌هایم قول می‌دهم، سر قولم هستم. به شما قول می‌دهم که بعد از این جلسه هر زمان نام مبارک پیامبر ﷺ را می‌شنوید، یک‌جور دیگر از آن لذت می‌برید. یعنی شیرینی این نام یک‌جور دیگر در دلتان حل می‌شود.

Masafir

فصل اول

پیامبر ﷺ در عهد عتیق



در قرآن اشاراتی داریم مبنی بر اینکه کتاب‌های قبل از قرآن به آمدن پیامبر گرامی اسلام ﷺ وعده داده بودند:

۱. ﴿الَّذِينَ آمَنَّا هُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾^۱ آنانی را که به ایشان کتاب داده بودیم، پیامبر را چنان شناختند که مادر فرزندش را می‌شناسد. ﴿

منظور یهودیان و مسیحیان هستند. ببینید چه تفسیر زیبایی استفاده می‌کند.

۲. ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ... ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ﴾^۲

می‌گوید: «این‌ها مثلشان قبلاً در تورات و انجیل آمده است.» این برای من مسلمان یک کُد است. یعنی برو جست‌وجو کن، هست. برخی می‌گفتند: «مراد، تورات و انجیل تحریف نشده بوده، بله، آن‌جا بوده، اما الآن تحریف شده است.» بنده می‌گویم: «نه‌خیر. آیات قرآن برای یک روز نیست، برای همیشه است.» وقتی این قدر تأکید شده، قطعاً الآن هم هست. این سخنرانی مطالعاتی پشت سرش بوده است. جداً به شخصه لذت بردم از این مطالعات.

۳. ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾^۳ من تورات را قبول دارم و بشارت می‌دهم که بعد از من رسولی خواهد آمد به نام احمد. ﴿

۱ سورة بقره، آیه ۱۴۶ / سورة انعام، آیه ۲۰.

۲ سورة فتح، آیه ۲۹: «مُحَمَّدٌ ﷺ، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند ... این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است...»

۳ سورة صف، آیه ۶.

۴. ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾^۱ آن کسانی که از پیامبر درس نخوانده پیروی می کنند که او را نوشته شده در تورات و انجیل یافتند. ﴿

نکته ای که اینجا وجود دارد این است که وقتی بحث درس نخوانده بودن پیامبر ﷺ را می آورد، می خواهد بگوید: «این پیامبری که خودش نمی توانست بخواند و بنویسد، از خوانده ها و نوشته هایی خبر داده است که از ۲ هزار سال قبل از او، وعده آمدن او را داده بودند.» می خواهیم در مورد این بحث کنیم. در بعضی از سخنرانی ها یک اشاراتی کردیم، اما این طوری نبوده است، یعنی می خواهیم ویژه در مورد این موضوع بحث کنیم. تک تک اسناد را از کتاب های برادران اهل کتابمان^۲ خواهیم خواند.

کتاب سفر پیدایش و تثبیه

ما در این شک نداریم که خدا با حضرت ابراهیم علیه السلام^۳ عهد بست. کسی در این شک دارد؟ تورات بارها گفته و قرآن هم تأیید کرده است که خدا با ابراهیم علیه السلام و ذریه^۴ او عهد بسته است.^۵ چند آیه مثال می زنم:

و از تو امتی عظیم پیدا کنم، تو را برکت دهم و نام تو را بزرگ سازم و تو برکت خواهی دید و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت. (سفر پیدایش^۶ - باب ۱۲ - آیه ۲ و ۳)

این وعده ای بود که خدا به حضرت ابراهیم علیه السلام داد. تکرار قول خدا به ابراهیم علیه السلام بعد از به دنیا آمدن اسماعیل علیه السلام^۷ و قبل از آمدن اسحاق^۸. دقت کنید. خدا دوباره آن عهد را تکرار می کند، بعد از به دنیا آمدن نخست زاده، یعنی اسماعیل، و قبل از به دنیا آمدن اسحاق. زمان این عهد بستن مهم است، چون اسماعیل که به دنیا آمد، خدا این عهد را بست.

و چون ابراهیم ۹۹ ساله بود خداوند بر ابراهیم ظاهر شد و گفت: «من هستم خدای قادر مطلق، پیش روی من بخرام و کامل شو. و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم

۱ سورة اعراف، آیه ۱۵۷.

۲ از دیدگاه اسلام، به پیروان ادیان گفته می شود که پیامبر آنان دارای کتابی الهی برای هدایت انسان ها بوده است. یهودیان و مسیحیان از مصادیق این اصطلاح بوده اند.

۳ دومین پیامبر اولوالعزم، نیای بزرگ عرب از طریق پسرش اسماعیل علیه السلام و بنی اسرائیل از طریق پسر دیگرش اسحاق علیه السلام می باشد.

۴ فرزند و نسل و دودمان.

۵ اشاره به آیه ۱۲۴ و ۱۲۵ سورة بقره.

۶ Genesis: نخستین بخش از کتاب مقدس عبری مشتمل بر پنجاه فصل و نخستین کتاب از «اسفار پنجگانه» یا تورات است.

۷ فرزند ابراهیم خلیل علیه السلام، پیامبری الهی که میان مسلمانان به عنوان ذبیح شناخته می شود و نسب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدو می رسد.

۸ فرزند حضرت ابراهیم علیه السلام از انبیای بزرگ الهی بود. مادرش ساره نام داشت. وی پیامبر و نیای قوم بنی اسرائیل است که در قرآن کریم بارها از او یاد شده است.

گردانید.» آن گاه آبرام به روی درافتاد و خدا به وی خطاب کرد و گفت: «اما اینک عهد من با توست و تو پدر امت‌های بسیار خواهی بود. و نام تو بعد از این آبرام خوانده نشود بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود. زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گرداندم.» (کتاب پیدایش - باب ۱۷ - آیات ۱ تا ۵)

آیه قرآن این را هم داریم:

﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾^۱

جالب است، بعد از به دنیا آمدن اسماعیل (علیه السلام)، نام او از "آبرام" به "آبراهام" تغییر پیدا می‌کند و "ه" معروف را می‌گیرد. پس دلیل گرفتن "ه" چیست؟ اینکه قرار است کثیر شود. هنوز اسحاق به دنیا نیامده است. این اتفاق قرار است از طریق اسماعیل بیافتد.

«و تو را بسیار بارور نمایم و امت‌ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند. و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریه بعد از تو استوار خواهم گرداند، که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد، تا تو را و بعد از تو ذریه تو را خدا باشم. و زمین غربت تو، یعنی تمام زمین کنعان^۲ را، به تو و بعد از تو به ذریه تو به ملکیت ابدی دهم و خدای ایشان خواهم بود.» پس خدا به ابراهیم گفت: «و اما تو عهد من را نگاه دار. تو و بعد از تو ذریه تو در نسل‌های ایشان. این است عهد من که نگاه خواهید داشت.» (کتاب پیدایش - باب ۱۷ - آیات ۶ تا ۱۰)

خدا به ابراهیم گفت: «اما زوجه تو سارای^۳، نام او را سارای مخوان، بلکه نام او را ساره باشد. و او را برکت خواهم داد و پسری نیز از وی به تو خواهم بخشید. او را برکت خواهم داد و امت‌ها از وی به وجود خواهند آمد و ملوک امت‌ها از وی پدید خواهند شد.» آنگاه ابراهیم به روی درافتاده بخندید و در دل خود گفت: «آیا برای مرد صدساله پسری متولد شود و ساره در نودسالگی بزاید؟» (کتاب پیدایش - باب ۱۷ - آیات ۱۵ تا ۱۷)

این ماجرای حضرت اسحاق (علیه السلام) است. خدا بعد از به دنیا آمدن اسماعیل (علیه السلام) دوباره این وعده را داد: «در آینده پسری به دنیا خواهید آورد.» خنده‌ای کرد. جالب این جاست که می‌گوید: «من در صدسالگی یک پسر به دنیا بیاورم؟!» یعنی زمانی این آیه نازل شده است که حضرت اسماعیل، سیزده سالش تمام شده بوده و آن ماجرای به قربانی بردن^۴ اتفاق افتاده بوده است. در قرآن داریم:

۱ سورة حج، آیه ۷۸: «أَبِينَ پدرتان ابراهیم (علیه السلام)»

۲ سرزمین فلسطین در قدیم کنعان نام داشت.

۳ سارا یا ساره، نام نخستین همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام). و مادر حضرت اسحاق (علیه السلام).

۴ ذبح اسماعیل (علیه السلام) دستور و امتحانی بود که از سوی خدا، در خواب به حضرت ابراهیم (علیه السلام) داده شد تا فرزندش را قربانی کند. ابراهیم (علیه السلام) و فرزندش با درخواست الهی موافقت کردند، اما جبرئیل مانع اثر کردن چاقو شد و یک قوچ بهشتی توسط ابراهیم، به جای اسماعیل (علیه السلام) ذبح شد.

﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ﴾^۱

آن عهد بسته شده بود، چون خودش می‌گوید: «من در صدسالگی و زنم در نودسالگی است، آیا می‌شود این اتفاق بیافتد؟» چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) ۸۷ ساله بود که اسماعیل (علیه السلام) به دنیا آمد و الآن ۱۰۰ ساله شده است. یعنی حضرت اسماعیل (علیه السلام)، آن نمو خودش را کرده است. آن ماجرای که می‌خواهد عهد را ببندد و اجبار کرده است نشان عهد الهی ختنه کردن باشد، اتفاق افتاده است.

در کتاب پیدایش خدا به اسحاق (علیه السلام) برکت می‌دهد ولی کماکان عهد را با اسماعیل (علیه السلام) نگه می‌دارد. اگر متن‌ها را از روی کتاب می‌خوانم، یا اسنادشان را می‌خوانم برای این است که این جلسه مستند باشد و کلمه‌ای این طرف و آن طرف نشود.

و خدا بر حسب وعده خود از ساره تفقد نموده و خداوند آن‌چه به ساره گفته بود به‌جا آورد. و ساره حامله شد، از ابراهیم در پیری اش پسری زایید در وقتی که خدا به وی گفته بود. و ابراهیم پسر مولود خود را که ساره از وی زایید اسحاق نام نهاد. و ابراهیم پسر خود اسحاق را چون هشت‌روزه بود مختون کرد، چنانکه خدا او را امر فرموده بود. و ابراهیم در هنگام ولادت پسرش اسحاق صدساله بود. و ساره گفت: «خدا خنده برای من ساخت. و هرکه بشنود با من خواهد خندید.»

یک زن نودساله بچه به دنیا آورده! خب تعجب کرده و خودش باورش نمی‌شود. **إِصْحَكْ تِل**^۲، تِل یعنی خدا. **إِصْحَكْ**، یعنی خندید. چه بسا اسحاق از این کلمات مثلاً گرفته شده باشد.

و گفت: «که بود که به ابراهیم بگوید ساره اولاد را شیر خواهد داد؟ زیرا که پسری برایش در پیری اش زاییدم.»

پیرزن نودساله می‌تواند بچه شیر بدهد؟ خودش هم تعجب می‌کند!

و آن پسر نمو کرد تا او را از شیر باز گرفتند و در روزی که اسحاق را از شیر بازداشتند، ابراهیم ضیافتی عظیم کرد. آن‌گاه ساره پسر هاجر مصری^۳ را که از ابراهیم زاییده بود دید که خنده می‌کند.

یعنی دید اسماعیل دارد می‌خندد. اسماعیل سنش بیشتر بوده است، مثلاً آن‌موقع چهارده سالش بوده است.

پس به ابراهیم گفت: «این کنیز را با پسرش بیرون کن، زیرا که پسر کنیز با پسر من اسحاق وارث نخواهد بود.»

۱ سورة بقره، آیات ۱۲۴ و ۱۲۵: «ابراهیم (علیه السلام) گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد... و به ابراهیم (علیه السلام) و اسماعیل (علیه السلام) سفارش کردیم.»

۲ عبارتی که در متن با این رنگ مشخص شده‌اند، به زبان عبری هستند.

۳ نام کنیز مصری جناب ساره (سارا)، همسر دوم حضرت ابراهیم (علیه السلام) و مادر حضرت اسماعیل (علیه السلام)، جد بزرگوار پیامبر اسلام ﷺ.

یعنی گفت: «آن بچه کنیز است، من همسر اصلی تو هستم.» چون بچه‌دار نمی‌شد، به حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: «با کنیزش ازدواج کند.» و از او اسماعیل علیه السلام به دنیا آمد. یک لحظه آن حسادت زنانگی اش گُل کرد، گفت: «چرا دارد می‌خندد؟ این هم فکر کرده است پسر تو است؟ پسر تو اسحاق است. من زن اصلی هستم، او کنیز است، او برده است. نباید بچه یک برده با بچه یه زن آزاد یکی باشد.»

اما این امر به نظر ابراهیم درباره پسرش بسیار سخت آمد.

حضرت ابراهیم علیه السلام نتوانست بپذیرد.

خدا به ابراهیم گفت: «درباره پسر خود و کنیزت به نظرت سخت نیاید بلکه هر آن چه سارا به تو گفته است، سخن او را بشنو زیرا که ذریه تو از اسحاق خوانده خواهد شد و از پسر کنیز نیز امتی به وجود آورم، زیرا که او نسل توست.»

خدا تأکید کرد که نسل تو همین است. امت هم از این به وجود می‌آورم.

بامدادان ابراهیم برخاسته، نان و مَشکی از آب گرفته به هاجر داد و آن‌ها را بر دوش وی نهاد و او را با پسر روانه کرد، پس رفت و در بیابان بَنُثُشِیع^۱ می‌گشت و چون آب مشک تمام شد، پسر را زیر بوته‌ای گذاشت و به مسافت تیر پرتابی رفته، در مقابل وی بنشست، زیرا گفت: «موت پسر را نبینم.»

گفت: «بچه‌ام در این بیابان می‌میرد.»

و در مقابل او نشسته، آواز خود را بلند کرد و بگریست. و خدا آواز پسر را بشنید و فرشته خدا از آسمان، هاجر را ندا کرده، وی را گفت: «ای هاجر تو را چه شد؟ ترسان مباش، زیرا خدا آواز پسر را در آنجایی که اوست شنیده است.»

إِسْمَاعِیل، یعنی "خدا شنید." عبرانی^۲ اسماعیل می‌شود إِسْمَاعِیل.

«برخیز و پسر را برداشته او را به دست خود بگیر، زیرا که از او امتی عظیم به وجود خواهم آورد.» و خدا چشمان او را باز کرد تا چاه آبی دید، پس رفته مشک را از آب پر کرد و پسر را نشانند و خدا با آن پسر می‌بود و او نمو کرده، ساکن صحرا شد و در تیراندازی بزرگ گردید و در صحرای فاران^۳ ساکن شد. (کتاب پیدایش - باب ۲۱ - آیات ۱ تا ۲۱)

۱ نام بزرگ‌ترین شهر در منطقه صحرای نگب در جنوب فلسطین اشغالی است. کنعانیان در این منطقه ساکن بوده‌اند و احتمالاً به دلیل وجود هفت چاه قدیمی، این نام را به شهر خود داده‌اند.

۲ زبان عبری یکی از زبان‌های سامی است.

۳ پاران یا عربی‌شده آن فاران، نام کوه یا صحرایی است که در تورات آمده است. جغرافی‌دانان شرقی سه منطقه را به نام فاران خوانده‌اند: کوه‌های اطراف مکه، کوه‌ها و روستایی در شرق مصر و استانی در سمرقند. مسلمانان و اعراب معتقدند که فاران به کوه‌ها و بیابان حجاز اطلاق می‌شود.

این صحرای فاران یا **پاران** شاه کلید است. نکته عجیبی که اینجا وجود دارد این است. دقت کنید، ماجرای به پاران یا فاران رفتن حضرت اسماعیل (علیه السلام) را بعد از به دنیا آمدن اسحاق (علیه السلام) نقل کرده است، که این تحریف است. چون به محض اینکه اسماعیل (علیه السلام) به دنیا آمد، ساره این‌ها را از خانه بیرون انداخت. هنوز خودش بچه به دنیا نیاورده بود. حضرت ابراهیم (علیه السلام) آمد این‌ها را اینجا گذاشت و برگشت. دوباره بعد از ده دوازده سال که بچه بزرگ شده بود آمد به آن‌ها سر زد، دید پسرش بزرگ شده است و آن منطقه بیابانی به خاطر آن چشمه زمزم^۱ به آبادی تبدیل شده است. پسر را قربانی کرد، که آن ماجراها پیش آمد. بعد خدا گفت: «از آن زن هم به تو یک بچه می‌دهم، برو به او خبر بده.»

شما می‌دانید این‌ها این جابه‌جایی را برای چه به وجود آوردند؟ این جابه‌جایی را به وجود آوردند که مثلاً یک جوری جایگاه حضرت اسحاق (علیه السلام) را بالا ببرند. و ما اثبات می‌کنیم این نبود. ببینید وقتی کسی تحریفی می‌کند، یک جای کار گاف^۲ می‌دهد، شک نکنید. می‌گویند: «دروغگو کم حافظه است.» قطعاً یک جای کار گاف می‌دهد. آن گاف‌ها را هم بیرون کشیدم که حالا ان شاء الله خدمتتان عرض می‌کنم. پس اسماعیل بزرگ شد، در بادیه به دنیا آمد، فنون رزم و جنگ یاد گرفت و در سرزمین **پاران** ساکن شد.

بنابر عقاید و سنن کهن عبرانی^۳، عموم ارث، برکت و امثاله‌هم به نخست‌زاده می‌رسد نه به فرزند دوم، حتی اگر از زن کنیز باشد. این هم سندش است که خدا برایمان حفظ کرده است. ببینید چه قدر قشنگ گفته است:

و اگر مردی را دو زن باشد، یکی محبوبه و یکی مکروهه.

یعنی یکی را دوست داشته باشی و از یکی بدت بیاید.

و محبوبه و مکروهه هر دو برایش پسران بزایند و پسر مکروهه نخست‌زاده باشد. پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید، نمی‌تواند پسر محبوبه را بر پسر مکروهه که نخست‌زاده است حق نخست‌زادگی دهد، بلکه حصه‌ای مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر مکروهه داده، او را از نخست‌زاده خویش اقرار نماید.

باید اقرار کند که او نخست‌زاده است.

زیرا که او ابتدای قوت اوست و حق نخست‌زادگی از آن او می‌باشد. (کتاب تثنیه^۴ - باب ۲۱ - آیات ۱۵ تا ۱۷)

۱ زمزم، چاهی مشهور، واقع در مسجدالحرام در فاصله ۲۱ متری شرق کعبه است. این چاه، بنابر روایات، در آغاز، چشمه‌ای بوده که به لطف خداوند برای حضرت اسماعیل (علیه السلام) جاری شده است.

۲ به معنای انجام کار اشتباه.

۳ نام اول قوم یهود بوده است که بعدها کلمه اسرائیلیان جای آن را گرفت و در آخر یهود نامیده شدند.

۴ به معنی «سخنان»، نام آخرین کتاب تورات و از بخش‌های عهد عتیق است و شامل ۳۴ فصل است.

حضرت اسماعیل (علیه السلام) و اسحاق (علیه السلام) هر دو از پدر یکی هستند و از مادر متفاوتند. پس یهودیان در این جریان برای اینکه نقش مادر را پررنگ کنند، آمدند نسل را در مادر بردند. تأکید کردند مادر باید خاص باشد. هنوز که هنوز است در میان یهودیان این مطلب پابرجاست، و شما مسائل و مواردی را می بینید که می گویند: «نسل از مادر انتقال پیدا می کند.» می خواهند نقش حضرت هاجر و اسماعیل (علیه السلام) کم رنگ شود. دلیل این است. این ها را دقت بفرمایید. یعنی اینکه یک نفر، آزاد باشد یا یک زن کنیز باشد مهم است. نکته جالب اینجا است که در میان دوازده امام شیعه، تعداد قابل توجهی از ایشان، مادرانشان کنیز بودند. مانند آقا صاحب الزمان (علیه السلام) یا همسر امام دیگری که از بربرهای^۱ مراکش^۲ بود. از آن جا گرفتند و آوردند. خدا عمداً این کنیزبودن را اینجا آورد که به نژادپرست ها یک تودهنی بزند و بگوید: «ملائک انسانیّت تقواست، نه سیاه و سفیدبودن، نه کوتاه و بلندبودن، نه چاق و لاغریبودن، نه از این نژاد و آن نژادبودن.» پس اینجا خود تورات اثبات می کند که نخست زاده، اسماعیل (علیه السلام) است و اگر هم بخواهد ارثی برسد باید اول به اسماعیل بیشتر برسد. این بر مبنای کتاب خودشان است، من حالا نمی گویم که این را تأیید می کنم. بر مبنای نظر خود این بزرگواران است. بر می گردیم به گذشته ببینیم چه شده است.

و سارای زوجه آبرام برای وی فرزند نیاورد و او را کنیزی مصری هاجر نام بود. پس سارای به آبرام گفت: «اینک خداوند مرا از زاییدن بازداشت، پس به کنیز من درآی، شاید از او بنا شوم.» و آبرام سخن سارای را قبول نمود. و چون ده سال از اقامت آبرام در زمین کنعان سپری شد، سارای زوجه آبرام، کنیز خود هاجر مصری را برداشته، او را به شوهر خود آبرام به زنی داد. پس به هاجر درآمد و او حامله شد و چون دید که حامله است، خاتونش به نظر وی حقیر شد. و سارای به آبرام گفت: «ظلم من بر تو باد. من کنیز خود را به آغوش تو دادم و چون آثار حمل در خود دید، در نظر او حقیر شدم. خداوند در میان من و تو داوری کند.»

با حضرت ابراهیم (علیه السلام) شروع کرد به داد و بیداد کردن. زن ها پیغمبر هم سرشان نمی شود!

آبرام به سارای گفت: «اینک کنیز تو به دست توست، آن چه پسند نظر تو باشد با وی بکن.» پس چون سارای با وی بنای سختی نهاد، او از نزد وی بگریخت و فرشته خدا او را نزد چشمه آب در بیابان، یعنی چشمه ای که به راه شور است، یافت. (کتاب پیدایش - باب ۱۶ - آیات ۱ تا ۷)

قبلی را یادتان هست؟ می بینید الآن با اینجا جور در نمی آید؟ آنجا گفت: «بعد از اینکه اسحاق به دنیا بیاید، هاجر فرار کرده است، و او را برد در بیابان انداخت.» اینجا می گوید: «قبل از به دنیا آمدن اسحاق و به محض به دنیا آمدن اسماعیل است.» این درست است. آن طرف را درست کرده این طرف را یادش رفته درست کند.

۱ عنوان عمومی قبیایی در شمال آفریقا است که در منطقه وسیعی از کرانه های اقیانوس اطلس تا صحرای آفریقا پراکنده اند.

۲ مغرب یا کشور پادشاهی مراکش، در شمال غربی آفریقا و نزدیک ترین کشور آفریقایی به قاره اروپاست که از طریق تنگه جبل الطارق به اسپانیا دسترسی دارد.

و گفت: «ای هاجر، کنیز سارا از کجا آمده‌ای و به کجا می‌روی؟» گفت: «من از حضور خاتون خود سارای گریخته‌ام.» فرشته خداوند به وی گفت: «نزد خاتون خود برگرد و زیردست او مطیع شو.» و فرشته خداوند به وی گفت: «ذریهٔ تو را بسیار افزون گردانم به حدی که از کثرت به شماره نیایند.»

این وعدهٔ فرشته خدا بر هاجر است. به او وعده داد که ذریهٔ تو را آن قدر زیاد کنم که از کثرتش به شماره نیاید.

و فرشتهٔ خداوند وی را گفت: «اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید و او را اسماعیل نام خواهی نهاد، زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است و او مردی وحشی خواهد بود. دست وی به ضد هرکس و دست هرکس به ضد او و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود.» و او نام خدا را که با وی تکلم کرد، **اَنْتَ ایلِ رِئِی**^۱ خواند زیرا گفت: «آیا اینجا نیز به عقب او که مرا می‌بیند نگریستم.» از این سبب آن چاه را **بئر لُحی رِئِی**^۲ نامیدند. اینک در میان **قَادِش**^۳ و **بَارِد**^۴ است. و هاجر از آبرام پسری زایید و آبرام پسر خود را که هاجر زایید، اسماعیل نام نهاد و آبرام ۸۶ ساله بود، چون هاجر اسماعیل را برای آبرام بزاد. (کتاب پیدایش - باب ۱۶ - آیات ۸ تا ۱۶)

دوباره اینجا تأکید بر این شد که اولاد اسماعیل **عَلِیْهِ السَّلَام** کثیر خواهند شد. امتی بزرگ با تأکید به کثرت او به وجود خواهد آمد. در باب ۱۷ ماجرا شیرین‌تر می‌شود.

و چون آبرام ۹۹ ساله بود خدا بر او ظاهر شد و گفت من هستم خدای قادر مطلق، پیش روی من بخرام. کامل شو، عهد خود را با تو خواهم بست. تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید.

این کلمهٔ کثیر، بسیار بسیار تکرار شده و تأکید شده است. کثرت اولاد ابراهیم **عَلِیْهِ السَّلَام** مدّ نظر است.

آنگاه ابرام به روی درافتاد و خدا به وی خطاب کرده، گفت: «اما من اینک، عهد من با توست و تو پدر امت‌های بسیار خواهی بود و نام تو بعد از این آبرام خوانده نشود بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گرداندم.» (کتاب پیدایش - باب ۱۷ - آیات ۱ تا ۵)

این ماجرا اشاره می‌کند که این عهد با اسماعیل **عَلِیْهِ السَّلَام** بوده. زمانی که حضرت ابراهیم **عَلِیْهِ السَّلَام** ۸۶ ساله بوده، اسماعیل **عَلِیْهِ السَّلَام** به دنیا آمده است. الآن ۹۹ ساله شده، اسماعیل **عَلِیْهِ السَّلَام** بزرگ شده و ماجرای قربانی شدن تمام شده و این وعدهٔ کثرت و عهد الهی با اسماعیل **عَلِیْهِ السَّلَام** بسته شده است. یعنی از درون خود تورات هم این کاملاً استنباط می‌شود. یک نفر واقعاً بخواند نگاه حقیقت‌جویانه داشته باشد می‌تواند بفهمد.

۱ یعنی تو خدایی هستی که می‌بینی.

۲ یعنی چاه خدای زنده‌ای که مرا می‌بیند، نام چاهی در منطقه‌ای از فلسطین.

۳ قَادِش (به معنی مقدس) یا قَادِش برنیع (به معنی بیابان مقدس آوارگی) مکانی در شمال شرقی شبه‌جزیره سینا و در جنوب بئر شمع و در مرز جنوبی سرزمین فلسطین قدیم واقع شده است.

۴ بارد، مکانی در نزدیکی فلسطین.

او را برکت خواهم داد و امت‌ها از وی به وجود خواهد آمد و ملوک امت‌ها از وی پدید خواهند شد. آن‌گاه ابراهیم به روی درآفتاده بخندید و در دل خود گفت: «آیا برای مرد صدساله پسری متولد شود و ساره در نودسالگی بزاید؟» و ابراهیم به خدا گفت: «کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند.» گفت: «ای کاش این چیزی که گفתי درمورد اسماعیل (علیه السلام) هم جا می‌انداختی.» خیلی جالب است که در خصوص اسماعیل خواست. فلذا در خصوص اسماعیل خدا به او جواب داد.

خدا گفت: «به تحقیق زوجه‌ات ساره برای تو پسری خواهد زایید و او را اسحاق نام بده و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت تا با ذریه او بعد از او عهدی باشد.» ما گفتیم بنا بر کتاب ارمیای نبی^۱، خدا با بنی اسحاق هم عهد را بست منتها آن‌ها عهد را شکستند. خود عهد عتیق (عهد قدیم)^۲ تأیید می‌کند که عهد را شکستند. قرآن هم می‌فرماید:

﴿فَبِمَا نَفَضْنَاهُمْ مِيثَاقَهُمْ^۳ عَهْدَ رَا شَكَسْتَنَدُ﴾

«اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.» (کتاب پیدایش - باب ۱۷ - آیات ۱۶ تا ۲۰)

و چون خدا از سخن گفتن با وی فارغ شد از نزد ابراهیم صعود فرمود. (کتاب پیدایش - باب ۱۷ - آیه ۲۲)

در سایت "Bible.com" که سایت رسمی کتاب مقدس^۴ (عهد جدید^۵ و عهد قدیم) است، شما هر آیه را که بزنید، می‌آید. هم عبری و هم ترجمه‌ای که در کمال شیطننت انجام شده است را ببینید. اینجا "بِمَعْدَمَعَد" را ترجمه انگلیسی نکرده و حذف شده است! و **بِمَعْدَمَعَد ثانی عشر**، امام را "prince" یعنی شاهزاده معنی کرده است. دوازده امام از اسماعیل پدید خواهیم آورد و از او یک امت بزرگ پدید خواهیم آورد (I will make him a great nation). «بِمَعْدَمَعَد» همین الانی که من دارم با شما صحبت می‌کنم موجود است.

این **بِمَعْدَمَعَد** را ببیند، این **بِمَعْدَمَعَد** آمده است، بعد **مَعْدَمَعَد** آمده، و دوباره همین **مَعْدَمَعَد** تکرار شده است. این دو تا کلمه شبیه هم است. این هم **بِمَعْدَمَعَد** است که شما وقتی این را در Google Translate می‌گذارید، **بِمَعْدَمَعَد** می‌نویسد، چون اصلاً نمی‌تواند ترجمه

۱ از اسفار تورات در عهد عتیق. ارمیا ابن حلقیا (اشموئل) از پیامبران یهود، در این کتاب به شرح زندگانی خود و وقایعی که بین سال‌های ۶۲۵ تا ۵۸۰ قبل از میلاد در تاریخ سرزمین یهودا رخ داده، می‌پردازد. در این کتاب بسیاری از تعالیم و نبوت‌های ارمیا را می‌توان یافت.

۲ مجموعه ۳۹ کتاب و رساله‌ای که به زعم مسیحیان و یهودیان توسط برخی از پیامبران و یا پیروان آن‌ها در طول قرون متوالی، از زمان حضرت موسی (علیه السلام) تا قبل از میلاد مسیح (علیه السلام) نگاشته شده است.

۳ سوره مائده، آیه ۱۳.

۴ کتاب مقدس عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه و یهودیان بخشی از آن‌ها را کتاب آسمانی و الهی خود می‌دانند.

۵ مجموعه ۲۷ کتاب و رساله‌ای که سال‌ها بعد از حضرت مسیح (علیه السلام) به زعم مسیحیان توسط ۸ تن از شاگردان و یا پیروان اولیه آن حضرت نگاشته شده و ۴ کتاب آغازین این بخش، انجیل نامیده می‌شود.

کند. چون اسم خاص است. شیطنتی که این‌ها کردند آمدند اسم خاص را هم به زور ترجمه‌اش کردند. **ی** را گذاشتند اول این **مَد**، و **مَد** دوم را هم جدا کردند که **یَمَد** شد. هر دو تا را «بسیار زیاد» ترجمه کرده است. دو بار «بسیار زیاد» داریم. یعنی خیلی واضح وعده آمدن **مَعْدَمَعَد** و دوازده امام پس از او را می‌دهد؛ هر دو از نسل اسماعیل علیه السلام هستند. و وعده اینکه این امت کثیر خواهد شد و اینکه آن‌ها امام، خلیفه و نقیب خواهند بود، آمده است.

در کتب برادران اهل سنتمان آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«دوازده خلیفه، دوازده امام، دوازده نقیب بعد از من خواهند آمد که همه از قریش^۱ خواهند بود.»^۲

امروز همه پژوهشگران دنبال آن دوازده تا خلیفه‌اند^۳ که بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله باید آمده باشند. دارند می‌گردند و به زور دارند می‌چینند. کار به جایی می‌رسد، برای اینکه جنس جور شود، در بین دوازده تا خلیفه، یزید را می‌آورند اضافه می‌کنند! اینکه می‌گویند: «حسین بن علی علیه السلام حق و باطل را تا ابد از هم جدا کرد» اینجا است عزیز من. یعنی یک پژوهشگر این را می‌فهمد. وقتی شما پژوهش می‌کنید به یک جایی می‌رسید که باید یا یزید را قبول کنید یا قبول نکنید و کسی که یزید را قبول کند، دیگر من با او حرفی ندارم!

جالب است بدانید در جاماتریای^۴ یهود، یعنی علم الاعداد^۵ این‌ها خیلی علاقه دارند که اعداد با هم یکی شوند. جالب است بدانید واژه «محمد» و واژه «**یَمَعْدَمَعَد**» هر دو ابجد^۶ ۹۲ دارد. یعنی حتی با جاماتریای یهود هم اثبات شدنی است که آن وعده‌ای که داده شده بود، این‌ها جدی نگرفتند. اینکه قرآن می‌گوید: «یک طوری او را می‌شناختند که مادر بچه‌اش را نمی‌شناسد.»^۷ بیخود نیست. به قرآن اعتماد کن!

آیا اسحاق علیه السلام ذبیح‌الله^۸ است؟ اگر اسماعیل علیه السلام ذبیح‌الله می‌ماند، به کجا برمی‌خورد؟ اسماعیل علیه السلام را به قربانگاه برد، چیزی نشد، اما عهد را با اسحاق علیه السلام بسته است. او می‌داند که با فرزندان ذبیح‌الله عهد بسته خواهد شد و آن ذریه از فرزندان

۱ قریش، از مشهورترین و مهم‌ترین قبایل عرب در حجاز که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از آن قبیله بوده است.

۲ جابر بن سمره نقل می‌کند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «دوازده امیر خواهد بود. آن گاه سخنی گفت که من آن را نشنیدم. پدرم گفت: پیامبر فرمود: همه آنان از قریشند» / «صحیح بخاری»، ج ۸، ص ۱۲۷ / ج ۹، ص ۸۱ / متقی هندی، «کنز العمال»، ج ۱۲، صص ۳۲ و ۳۳.

۳ خلیفه، عنوان و لقبی است که در قانون جوامع اسلامی یا شریعت به رهبر امت اسلامی داده می‌شود.

۴ «جاماتریا» علمی است در زبان یهود، چیزی شبیه به حروف ابجد عربی. در جاماتریا عدد دو رقمی معنا ندارد و عدد دو رقمی را با هم جمع می‌کنند.

۵ Numerology: عددشناسی یا علم الاعداد جزء علوم خفیه است و به ادعای باورمندان، یعنی تفسیر اعداد به وسیله اعداد که در طالع‌بینی استفاده می‌شود.

۶ حروف ابجد شیوه‌ای برای مرتب‌سازی حروف زبان عربی است که بر پایه الفبای اولیه خط فنیقی مرتب شده‌اند. گاهی این شیوه در شماره‌گذاری موارد یا صفحات به کار می‌رود.

۷ اشاره به سوره بقره، آیه ۱۴۶ و سوره انعام، آیه ۲۰.

۸ ذبیح‌الله، لقب فرزند حضرت ابراهیم علیه السلام است که خداوند دستور ذبح او را به ابراهیم علیه السلام داد. قرآن ماجرای ذبح را گزارش کرده اما نام ذبیح را ذکر نکرده است.

ذبیح الله باید بیاید. دلیل اول، آن مثالی است که برای شما زدم، آن "ه" که به "آبرام" و "سارا" اضافه می‌شود و هر دو «آبراهام» و «ساره» می‌شوند. دلیل دیگر دارم که خیلی جالب است.

چون بدان مکانی که خدا بدو فرموده بود رسیدند، ابراهیم در آن جا مذبح را بنا نمود و هیزم را بر هم نهاد.

می‌خواست سر را ببرد، بعد بچه را در آتش بگذارد بسوزاند.

و پسر خود اسحاق را بسته بالای هیزم بر مذبح نهاد.

یهودیان می‌گویند: «ذبیح الله اسحاق بوده است.»

و ابراهیم دست خود را دراز کرده، کارد را گرفت تا پسر خویش را ذبح نماید. در حال فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد و گفت: «ای ابراهیم! ای ابراهیم!» عرض کرد: «لبیک». گفت: «دست خود را بر پسر دراز مکن و بدو هیچ مکن زیرا که الآن دانستم که تو از خدا می‌ترسی، چون که پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی.» (کتاب پیدایش - باب ۲۲ - آیات ۹ تا ۱۲)

اسم اسماعیل را کرده اسحاق، اما یادش رفته یگانه را حذف کند! کار خداست. می‌گوید: "پسر یک دانهات را" در حالی که اسحاق از اسماعیل کوچک‌تر است. او اسماعیل بوده که این ماجرا اتفاق افتاده و هنوز اسحاق به دنیا نیامده است. پسر یگانه، اسماعیل بوده است. فکر کنید تا ۸۶ سالگی بچه‌دار نشوی، در ۸۶ سالگی یک پسر به تو بدهد، بعد بگوید: «او را در بیابان بیانداز، و سیزده سال هم با او کار نداشته باش.» بگذاری بروی، بعد از سیزده سال برگردی به او سر بزنی، حالا بگوید: «سرش را ببر!» سختی آزمون این بود.

نکته دیگری که وجود دارد این است که این آزمون، سربریدنِ صرفِ پسر نبود، چون در طول تاریخ افراد بسیاری پسران خودشان را در راه خدا تقدیم کردند. نکته‌ای که اینجا وجود دارد و من خیلی تأکید دارم دقت مجدد بفرمایید، سورة بقره، آیه ۱۲۴ نشان هم‌خوانی تورات و قرآن است:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾

وقتی ابراهیم علیهِ السلام از آزمون سر بردن اسماعیل علیهِ السلام سر بلند بیرون آمد، خدا به او گفت: «تو امام شدی.» یعنی قبل از این ابراهیم علیهِ السلام امام نبود. پیغمبر اولوالعزم^۱ که قرآن می‌گوید جزو پنج پیغمبر اصلی است، اما هنوز امام نشده بود. ابراهیم علیهِ السلام

۱ اولوالعزم به معنی صاحبان عزم، به پنج تن از پیامبران صاحب شریعت، حضرات نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ گفته می‌شود.

سال‌ها قبل، زمانی که در عراق زندگی می‌کرده است، از درون آتش نمرود^۱ سالم بیرون آمده، اما هنوز امام نشده است. پس قرار است این عهد با ذریهٔ ذبیح‌الله بسته شود زیرا در ادامهٔ آیه می‌فرماید:

﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ این امامت به ظالمین نخواهد رسید.﴾

و در آیه بعدی آمده است:

﴿وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ؛ عهد من از طریق اسماعیل ادامه پیدا خواهد کرد.﴾

خدا این را گفته است. این عین آیه قرآن است. ما اگر بپذیریم و بگوییم اینجا امامت به معنی رهبری سیاسی است، پس پذیرفتیم که نمرود مقامی بالاتر از پیامبران دارد. فرعون^۲ مقامی بالاتر از پیامبران دارد. چرا؟ چون رهبر سیاسی بود. اگر بگوییم رهبر مذهبی است، خب ابراهیم (علیه السلام) قبلاً رهبر مذهبی بود، نیازی نداشت. این چه مقامی است که او برای ذریهٔ خودش و آن ذبیح‌الله هم خواست؟ نکته این است که آن عهد از طریق اسماعیل دارد بسته می‌شود، و قرار است **مَعْدِمَد** و دوازده امام پس از او پدید بیایند.

اگر ما بپذیریم که خدا گفته: «اسحاق یگانه فرزند است، چون آن یکی بچهٔ کنیز است.» باید یک‌سوم یهودی‌ها را دور بریزید، چون از دوازده فرزند حضرت یعقوب (علیه السلام) چهارتای آن‌ها کنیززاده بودند: دان، نفتالی، جاد، اشیر. تمام فرزندان این‌ها کنیززاده می‌شوند. در حالی که ما می‌دانیم، پیامبری مثل شمشون^۳، پیغمبری عبرانی است از فرزندان دان. پس از کنیززاده‌ها هم پیغمبر می‌تواند به‌وجود بیاید. یعنی یکجا را خراب می‌کنید، شصت جای درست شهادت می‌دهد! به سراغ حضرت موسی (علیه السلام) و آقاسول‌الله (ﷺ) برویم. ببینیم که حضرت موسی (علیه السلام) اشاره کرده بود که می‌خواهد بیاید یا نه.

يَهُوه^۴ خدایت، نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گرداند، او را بشنوید. موافق هر آن‌چه در حوریب^۵ در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده، گفتی: «آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم و این آتش عظیم را دیگر نبینم، مبادا بمیرم.»

اینجا را خوب دقت کنید. اصل آیه اینجا است.

۱ نمرود بن گنگان پادشاه بت‌پرست و جبار بابل در دورهٔ حضرت ابراهیم (علیه السلام) است.

۲ فرعون، لقبی برای نام‌بردن از فرمانروایان سلسله‌های مصر باستان می‌باشد و در اینجا منظور، فرعون معاصر حضرت موسی (علیه السلام) است.

۳ شمشون یا سامسون پسر مانوح و از قبیله دان. نام پیامبری در عهد عتیق و از داوران بنی‌اسرائیل است که به مدت بیست سال قوم بنی‌اسرائیل تحت رهبری او بودند.

۴ نام اختصاصی خدا در زبان عبری. نامی که در تورات، در میقات موسی (علیه السلام) خدا خود را به آن نام خواند.

۵ کوه حوریب، جبل‌الله، کوه طور، جبل موسی یا طور سینا، کوهی است که در شبه جزیره سیناء در بخش شمال شرقی کشور مصر قرار دارد. موسی (علیه السلام) در آنجا نور الهی را بر سر درخت دید و شرف تکلیم یافت.

و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان، مثل تو مبعوث خواهیم کرد و کلام خود را به دهانش خواهیم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت.» (کتاب تنبیه، باب ۱۸ - آیات ۱۵ تا ۱۸)

دو تا نکته را اشاره کرده است:

۱. عبارت "از میان برادران ایشان" نشان می‌دهد که آن پیغمبری که خدا به موسی ﷺ دارد می‌گوید، از میان برادران اوست.
۲. شباهت‌های زیادی است که آن فرد به موسی ﷺ دارد و از سمت خودش هم حرف نمی‌زند و عیناً کلام خدا را می‌گوید.

مگر نگفتیم بنی‌اسرائیل دوازده‌تا برادر بودند؟ کاهنان^۱، خاخام‌ها^۲ و پیامبران عمدتاً از نسل لاوی^۳ هستند. حضرت موسی ﷺ از نسل لاوی بوده است. شاید خدا می‌خواست بگوید از یک برادر دیگر. مثلاً یهوذا^۴ که حضرت عیسی ﷺ از او به وجود آمده است. از طریق حضرت مریم ﷺ به یهوذا می‌رسد. اگر این طوری بود خدا نمی‌گفت: «برادران ایشان.» می‌گفت: «برادرانتان.» مگر حضرت موسی ﷺ وحی‌اش را فقط برای "قبیله لاوی"^۵ می‌خوانده است؟ نه، برای هر دوازده‌تا قبیله می‌خواند. پس چرا می‌گوید: «برادران ایشان؟» پس یعنی یک کسانی هستند که الآن آنجا نیستند. چه کسانی می‌شوند؟ بنی‌اسماعیل. چون اسحاق ﷺ و اسماعیل ﷺ برادر هستند. از میان برادران ایشان یعنی از سمت اسماعیل. خوب است بدانید انجیل برنابا^۶ این نکته را تأیید کرده است.

بین حضرت موسی ﷺ و پیامبر ﷺ شباهت‌های زیادی وجود دارد:

۱. اینکه هر دو هجرت کردند.
۲. هر دو صاحب شریعت هستند، شریعت جدید آوردند. اما حضرت عیسی ﷺ شریعت جدید نیاورد.

۱ نامی برای روحانی مصریان باستان، بابلیان و یهودیان.

۲ عنوان علما و پیشوایان مذهبی یهود است.

۳ از فرزندان حضرت یعقوب ﷺ.

۴ از فرزندان حضرت یعقوب ﷺ که بسیار خیانتکار و گمراه بود.

۵ اشخاصی که از اولاد لاوی سومین پسر حضرت یعقوب ﷺ می‌باشند. طبق تعالیم عهد عتیق قبیله لاوی (لوی) در میان بنی‌اسرائیل سیمت کاهنی دارد و اصولاً یک کتاب مخصوص آن‌ها نوشته شده به نام «سفر لاویان».

۶ اثری یافته شده در قرون وسطی که ادعا شده است توسط برنابا (لقب یوسف لاوی)، شخصیت مسیحی برجسته از قرون اول میلادی به نگارش درآمده است. این کتاب نسبت به انجیل‌های رسمی مسیحیت شباهت بسیار بیشتری به اعتقادات مسلمانان دارد.

۳. آزمون‌های بسیار بسیار شبیه هم داشتند. ﴿لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ﴾^۱ اشاره به آزمون اقتصادی حضرت موسی (علیه السلام) دارد و شعب ابی طالب^۲ اشاره به آزمون اقتصادی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) خدا از آن‌ها آزمون جهاد گرفت، ﴿إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ﴾^۳ بروید با این‌ها بجنگید که آن‌ها گفتند: ﴿لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا﴾^۴. بدر، احد^۵ و خندق^۶ هم آزمون‌های جهاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود. در حالی که اصلاً حضرت عیسی (علیه السلام) کارش به جهاد و این جور چیزها نکشید.
۴. هر دو یک هارونی^۷ دارند که تصدیقشان می‌کند. ﴿هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي؛ او از من فصیح‌تر است﴾^۸ باید تصدیق کند و صدیق باشد. نسل باید از طریق آن برادر ادامه پیدا کند. همان‌طور که می‌دانید از طریق حضرت موسی (علیه السلام) ادامه پیدا نکرد، بلکه از طریق فرزندان هارون، یعنی شَبَر و شَبِير، معادل حسن و حسین، نسل ادامه پیدا کرد.
۵. زمانی که پیامبر می‌گذارد می‌رود، وقتی برمی‌گردد می‌بیند امت کار را خراب کردند. عین آیه قرآن که می‌گوید: «من سکوت کردم که امت دچار تفرقه نشود»^۹
۶. هر دو در بستر به رحلت خدا رفتند. اما حضرت عیسی (علیه السلام) این‌طور نبود.
۷. هر دو به‌طور طبیعی به دنیا آمدند. اما تولد حضرت عیسی (علیه السلام) غیرطبیعی بود.
- پس اصلاً به‌هیچ‌وجه با حضرت عیسی (علیه السلام) تطابق ندارد. به یک فرد دیگری دارد اشاره می‌کند.
- و این است برکتی که موسی، مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داد. موسی (علیه السلام) این را گفته بوده است. گفت: «یهوه از سینا»^{۱۰} برآمد. از سعیر بر ایشان طلوع نموده و از کوه فاران درخشان گردید و با ده‌ها هزار انسان مقدس آمد.» (کتاب تثنیه - باب ۳۳ - آیات ۱ و ۲)

۱ سورة بقره، آیه ۶۱: «ما هرگز بر یک نوع غذا صبر نمی‌کنیم»

۲ شعب ابی طالب، دزدی میان دو کوه ابوقبیس و خندمه در مکه در کشور عربستان است. در سال هفتم بعثت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بنی‌هاشم و مسلمانان به سبب آزارهای مشرکان مکه به شعب پناه جستند و سه سال در محاصره اقتصادی و اجتماعی در این مکان به سر بردند.

۳ سورة مائده، آیه ۲۲: «مسلماناً در آنجا مردمی زورگو و ستمگر قرار دارند.»

۴ سورة مائده، آیه ۲: «ما هرگز وارد آنجا نمی‌شویم.»

۵ غزوه بدر یا بدر الکبری، نخستین جنگ با فرماندهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، میان مسلمانان و مشرکان قریش، در سال دوم هجری، که در آن مسلمانان به پیروزی رسیدند.

۶ غزوه احد از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با مشرکان مکه که در سال سوم هجری قمری در کنار کوه احد به وقوع پیوست.

۷ غزوه خندق، از غزوات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سال پنجم هجری قمری با مشرکین و احزاب مخالف از جمله یهود می‌باشد و به جنگ احزاب نیز معروف است.

۸ حضرت هارون (علیه السلام)، برادر بزرگ حضرت موسی (علیه السلام) و وزیر و سخنگوی او.

۹ سورة قصص، آیه ۳۴.

۱۰ سورة طه، آیه ۹۴.

۱۱ طُور سیناء، کوه یا مجموعه‌ای از کوه‌ها در شبه جزیره سیناء در بخش شمال شرقی کشور مصر است که قرآن و تورات از آن نام برده و آنرا مقدس دانسته‌اند. در طور سینا وقایع مختلفی از جمله صحبت کردن خداوند با حضرت موسی (علیه السلام) میقات چهل روزه، میقات به همراه هفتاد نفر از بنی اسرائیل و مرگ موسی (علیه السلام) رخ داده است.

یَهُوه یعنی خدا. خدا که از جایی بالا یا پایین نمی‌آید، با عقاید اسلامی سازگاری ندارد. ما می‌گوییم وحی خدا آمد. چون خدا که این طرف و آن طرف نمی‌رود. خدا همه‌جا هست. منتها حالا همان خدا بگیریم که به جایی برنخورد. اصلاً به طرز عجیبی با "ماجرای فتح مکه" ^۱ شباهت دارد که با ده‌ها هزار نفر از مسلمانان وارد سرزمین فاران، یعنی مکه شد. قبل از آن مدینه بود. در عهد عتیق مدینه هم داریم. دیگر از این واضح‌تر ما نداریم. حضرت موسی علیهِ السلام کوه سینا بود و حضرت عیسی علیهِ السلام در سرزمین ساعیر ^۲ وحی را گرفت. دقیقاً می‌گوید: «نور خدا، از سینا برآمد، در ساعیر طلوع کرد، در فاران درخشید.» ﴿وَاللَّهُ مُبِیِّنُ نُورِهِ﴾ ببینید چه قدر هماهنگی دارد. خدا آن‌جا در آن محل نورش را تمام می‌کند. ساعیر روستایی در نزدیکی اورشلیم ^۳ است.

فرشته خدا از آسمان هاجر را ندا کرده، وی را گفت: «ای هاجر تو را چه شد؟ ترسان مباش، زیرا خدا آواز پسر را در آن جایی که اوست شنیده است. برخیز و پسر را برداشته او را به دست خود بگیر، زیرا که از او امتی عظیم به وجود آورم.» و خدا چشمان او را باز کرد تا چاه آبی دید. پس رفته مشک را از آب پر کرد و پسر را نوشتند و خدا با آن پسر می‌بود و او نمو کرده ساکن صحرا شد و در تیراندازی بزرگ گردید و در صحرای فاران ساکن شد. (کتاب پیدایش - باب ۲۱ - آیات ۱۷ تا ۲۱)

بنابر آیه ۲۱ مشخص می‌شود که فاران همانجایی است که اسماعیل علیهِ السلام آنجا بوده است. چون خود تورات تأیید کرده است که اسماعیل علیهِ السلام در فاران بود. پس آن نور الهی، همان جایی که اسماعیل علیهِ السلام ساکن شد، کامل می‌شود. دیگر از این واضح‌تر نداریم. والله این أَظْهَرُ مِنَ الشَّمْسِ است. نکته جالب اینجاست که برای اینکه این را درست کنند، اولاً آیه را سر و ته کردند، گفتند: «اول فاران، بعد ساعیر، بعد سینا بود.» من پرسیدم: «با چه حقی این کار را کردید؟» هیچ جوابی نمی‌دهد. می‌گویند: «اول خدا رفت فاران، با بنی‌اسماعیل عهد ببندد، آن‌ها عرضه‌اش را نداشتند. بعد از آن رفت ساعیر، با فرزندان عیسو عهد ببندد، آن‌ها هم لیاقت نداشتند. آمد بر سینا بر بنی‌اسرائیل که عهد را ارائه کرد، آن‌ها پذیرفتند.» آیه را برعکس کردند و ترتیبش را به هم زدند. می‌دانید ترتیب آیه به هم بخورد چه می‌شود؟ مثل این است که وقتی برای خوردن غذا اول باید دهان را باز کنیم بعد قاشق را داخل دهان کنیم، برعکس عمل کنیم! یعنی بخواهیم اول قاشق را به دهانمان ببریم اما دهانمان بسته باشد! در این صورت فاتحه دندان‌هایمان خوانده می‌شود. یا مثلاً باید اول دکمه‌ها را باز کنیم بعد لباس تنمان کنیم، دکمه‌ها را باز نکنیم لباس تنمان نمی‌شود. یک چیز منطقی و عقلانی است.

۱ فتح مکه، واقعه فتح شهر مکه در سال هشتم هجری به دست مسلمانان و به فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ در واکنش به نقض پیمان حدیبیه توسط قریشیان بود و نتایجی همچون روی آوردن مشرکان شبه‌جزیره عربستان به اسلام در سال‌های بعد را در پی داشت.

۲ ساعیر، نام قدیم ناصره بیت المقدس. (نخبة الدهر دمشق). در تورات اسم جبال فلسطین است و آن در فاران در حدود روم است. و قریه‌ای است در ناصره بین طبریه و عکا.

۳ اورشلیم یا بیت المقدس یا قدس، شهری در فلسطین اشغالی که نخستین قبله و سومین شهر مقدس مسلمانان و مقدس‌ترین شهر جهان نزد یهودیان و مسیحیان است.

۴ اصطلاحی به معنای روشن‌تر و نمایان‌تر از آفتاب. کنایه از موضوعی بسیار واضح و آشکار.

۵ عیسو، پسر بزرگ حضرت اسحاق علیهِ السلام و ربکا و برادر حضرت یعقوب علیهِ السلام. تورات معتقد است ابتدا قرار بود عیسو جانشین پدر شود.

دوماً یک پارادوکس دارند. می‌گویند: «جز بنی اسرائیل هیچ کس لایق گرفتن وحی نیست.» از آن‌ها می‌پرسم پس چه طور الان به آن‌ها وحی آمده است؟ حداقل همین را به من بگویید! پس به این‌ها هم وحی می‌رسیده است. آمدند یک بند دیگر هم اضافه کردند. گفتند: «آن‌ها لایق وحی نیستند، بلکه بر فرشته‌ای که بر بنی اسماعیل می‌آمده، خدا این عهد را آورده است.» فرشته بنی اسماعیل و بنی عیسو، گابریل یعنی جبرئیل است. فرشته بنی اسرائیل، میکائیل^۱ است. یعنی خدا با جبرئیل عهد را آورده داده و جبرئیل قبول نکرده است. فرشته الهی معصوم، فاتحه‌اش خوانده شد! دارند ماست مالی می‌کنند. یک جا را درست می‌کند، آن طرف خراب می‌شود. کار به جایی رسیده است که خاخام یهودی ایرانی، حاج بابای قزوینی که ایشان شیعه شد، در کتابش می‌نویسد:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَنَّا وَلِجَاكِ وَتَعْصَبُ وَ مَحَبَّتْ بَه مَذْهَبِ آبَاءِ وَ اَجْدَادِ وَ حُبِّ رِیَاسَتِ دُنْیَا وَ حُبِّ رِیَاسَتِ دُنْیَا
شخص را به چه مهلکه‌ای می‌اندازد و کار را به چه جاها می‌رساند و عاقل را به چه نحو، کر و کور می‌سازد، که
امور بدیهه را نفهمد و به این پریشانی سخن بگوید که مستلزم تقبیح خدا، رسول او و ملائکه خدا شود و مَع
ذَلِکَ اظهار نماید که توقع اجر از خدا هم دارم، نَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ ذَلِکَ.»

تعجب می‌کند! حاج بابا هم می‌گوید آن‌ها این دلایل را می‌آورند. و از این همه تعصب و حماقت به خدا پناه می‌برد. در ادامه می‌نویسد:

«و ما هرچند در این رساله التزام کردیم که نسبت به هیچ کس پا از جاده ادب بیرون نگذاریم، مباحثه و مجادله علمی را به مفاحشه و مراء^۲ تبدیل نکنیم، نهایت در این مقام قلم تیزرو اندکی سرکشی نموده، چند گامی عنان گسیخته حرکت کرد. اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ طُغْيَانِ الْقَلَمِ.»^۳ وقتی می‌بیند استدلال‌هایشان چه قدر از سر تعصب است، می‌گوید: «من دیگر نمی‌توانم خودم را نگه دارم. چند تا فحش بدهم یکم خیالم راحت شود!» حالا بنده خدا باید یک سر به جلسات ما بیاید!

در مزامیر حضرت داوود (علیه السلام) به مردمی اشاره شده است که برای زیارت به وادی بکاء می‌روند، و در آنجا چشمه‌ای هست.

۱ میکائیل (یا «میشل» در منابع مسیحی و یهودی)، فرشته مأمور رزق و از ملائکه مقرب درگاه الهی است که در قرآن از او با نام «میکال» یاد شده است.

۲ مراء عبارت است از ایراد و اعتراض به سخن دیگری و اظهار نقص و خلل در آن به قصد تحقیر و اهانت وی، و اظهار برتری و هوشمندی خود.

۳ ر.ک: رساله‌ای در رد یهودیت، «محضر الشهود فی رد الیهود»، تألیف: حاج بابا قزوینی.

خوشا به حال آنان که در خانه تو ساکنند. که تو را دائماً تسبیح می خوانند، خوشا به حال مردمانی که قوت ایشان در تو است و طریق های تو در دل های ایشان، چون از وادی بکا^۱ عبور می کنند آن را چشمه می سازند. (مزامیر^۲ - مزبور^۳ ۸۴ - آیات ۴ تا ۶)

شبيه اين، آیه قرآنش را هم داریم، در آیات ۹۴ تا ۹۹ سورة آل عمران آمده است:

﴿فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ پس هرکس بعد از این بر خدا دروغ ببندد، چنین کسانی ستمکارانند. ﴿

﴿قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ بگو خدای تعالی راست گفته است، پس تنها ملت و کیش ابراهیم را پیروی کنید که کیش او مطابق فطرت است و او از مشرکین نبود. ﴿

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ اولین خانه عبادتی که برای مردم بنا نهاده شد، آن خانه ای است که در مکه [بکاء] واقع است. خانه ای پر برکت که مایه هدایت همه عالمیان است. ﴿

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾ در آن خانه آیاتی روشن و مقام ابراهیم است و هرکس داخل آن شود ایمن است و بر هر کس که مستطیع باشد، زیارت آن خانه واجب است و هرکس به این حکم خدا کفر بورزد، خدا از همه عالم بی نیاز است. ﴿

در ادامه اهل کتاب را مخاطب قرار می دهد و می فرماید:

﴿بگو ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟ با اینکه خدای تعالی بر آنچه می کنید ناظر و شاهد است.﴾

می گوید این به این واضحی که در کتاب های خودت هم هست، اینجا هم برایت آیات خدا را آوردم، چرا قبول نمی کنید؟

﴿بگو ای اهل کتاب! چرا کسی را که ایمان آورده از راه خدا جلوگیری می کنید و راه کج می خواهید. با اینکه خود شما شاهد بر حقایق آنید و خدا به هیچ وجه از آنچه می کنید غافل نیست.﴾

رسماً خدا اعلام کرد که این ها خبر هم دارند که آن ها برحق هستند. خوب است بدانید که این بکاء در برخی از دیکشنری های کتاب مقدس هم دقیقاً معادل با مکه آمده است. یعنی خیلی واضح است.

۱ همان شهر مکه است. نام اصلی مکه، «بکه» بوده، زیرا این سرزمین با بکاء و اشک بنیان شده است.

۲ مزامیر داوود (عليه السلام) اشعار روحانی، مناجات ها و پند و اندرزهایی بود که حضرت داوود (عليه السلام) با صدای زیبایی می خواند تا بر دل ها بهتر نشیند. مزامیر داوود (عليه السلام) جزء کتب عهد عتیق است.

۳ آنچه از کتاب زبور می سرایند و انواع دعا.

کتاب اشعیای نبی

به این آیات دقت کنید. روی کلماتی که دارد می گوید فکر کنید:

اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من روح خود را بر او می نهم تا انصاف را برای امت ها صادر سازد. او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوجه ها نخواهد شنواید. نی خُردشده را نخواهد شکست و فتیله ضعیف را خاموش نخواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند. او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره ها منتظر شریعت او باشند. خدا یهوه که آسمان را آفرید و آن ها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشد و روح را بر آنانی که در آن سالکند می دهد چنین می گوید: «من که یهوه هستم، تو را به عدالت خوانده ام و دست تو را گرفته تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت ها خواهم گرداند.»

با چه کسی دارد حرف می زند و مخاطب قرار می دهد؟ دارد از یک نفری می گوید که قرار است بیاید و این ویژگی ها را دارد.

تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری. من یهوه هستم و اسم من همین است و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بت های تراشیده نخواهم داد. اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نو اعلام می کنم و قبل از آن که به وجود آید شما را از آن خبر می دهم.

این کتاب رسماً دارد پیشگویی می کند.

ای شما که به دریا فرو می روید و ای آن چه در آن است. ای جزیره ها و ساکنان آن ها، سرود نو را به خداوند و ستایش وی را از اقصای زمین بسرایید. صحرا و شهرهایش و قریه هایی که اهل قیدار (کیدار یا حیدار) در آن ها ساکن باشند، آواز خود را بلند نمایند و ساکنان سالع^۱ ترنم نموده، از قله کوه ها نعره زنند. (کتاب اشعیای نبی^۲ - باب ۴۲ - آیات ۱ تا ۱۱)

تمام این اتفاقات و این مزدها در اهل قیدار می افتد. بنا بر نقل تورات، قیدار پسر دوم حضرت اسماعیل (علیه السلام) است. تورات می گوید: «پسران حضرت اسماعیل (علیه السلام) دوازده تا بودند، دومی اش قیدار است.» این اتفاق در میان قیداری ها خواهد افتاد. می دانید نسل پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) از طریق قیدار است.

۱ سالع یا سلح، کوهی در بیرون مدینه است. در روایات چنین آمده است که منادی آسمانی از فراز این کوه ندا داد که توبه کعب مالک (از متخلفان جنگ تبوک) پذیرفته شده است.

۲ اشعیا (به معنی «خدا نجات داده») از پیامبران بنی اسرائیل در عهد عتیق و نویسنده کتاب اشعیا است. وی حدود ۷۰۰ سال پیش از مسیح می زیسته و بیشتر از هر نبی دیگر به ظهور عیسی (علیه السلام) توجه داشته است.

۳ کتاب اشعیا، اولین کتاب از پیامبران پسین در عهد عتیق کتاب مقدس است که توسط اشعیای نبی نگاشته شده است. این کتاب ۶۶ بخش دارد.

و این است نام‌های پسران اسماعیل، موافق اسم‌های ایشان به حسب پیدایش ایشان. نخست‌زاده اسماعیل نابایوت، دوم قیدار، سوم ادیل، چهارم میسام و... (کتاب پیدایش - باب ۲۵ - آیه ۱۳)

پس قیدار فرزند حضرت اسماعیل علیه السلام است و باز این وعده را می‌دهد: «از بنی قیدار آن کسی که مهربان است، دینش همه‌جا را خواهد گرفت. او را نمی‌توانید بشکنید و او مسلط خواهد شد.» می‌دانید پیامبر صلی الله علیه و آله و امام دوازدهم، هم‌نام هستند، بسیاری از این آیات هم با امام دوازدهم هم‌خوانی دارد.

حقوق‌نبی^۱ در شهر تویسرکان^۲ ایران دفن است. در «کتاب حقوق‌نبی»^۳ باز به سرزمین فاران اشاره می‌شود، که در سرزمین فاران آن اتفاق بزرگ خواهد افتاد. یک نفر اگر کمی انصاف داشته باشد، یک دلیل، دو دلیل، سه دلیل بیاوریم می‌پذیرد.

در میان سال‌ها آن را معروف ساز و درحین غضب رحمت را بیاد آور. خدا از تیمان آمد و قدوس^۴ از جبل فاران. جلال او آسمان‌ها را پوشاند و زمین از تسبیح او مملو گردید. (کتاب حقوق‌نبی، باب ۳، آیات ۲ و ۳)

امام رضا علیه السلام در محاجه و بحثی که در دربار مأمون با بزرگ یهودیان دارد، به همین آیه اشاره می‌کند.^۵ بنابر دیکشنری Hasting's Dictionary of the Bible مربوط به کتاب مقدس، «تیمان» واحه شمال مدینه است. شما می‌دانید یهودیان به شمال مدینه کوچ کردند. بنی قریظه،^۶ بنی قینقاع^۷ و بنی نضیر^۸. آمار داشتند، آمده بودند منتظر آن آخری بودند، وگرنه چرا مکه نیامدند؟ چون می‌دانستند اعلام حکومت در وادی مدینه است. جالب است بدانید که این‌ها در برخی از ترجمه‌ها، تیمان را یمن^۹ کردند، یعنی «ت» را برداشتند. می‌گویند: «حالا عیبی ندارد. برداری چیزی نمی‌شود!» حکایت ورامین است؛ «و» را

۱ حقوق یا حقوق‌نبی علیه السلام از پیامبران بنی اسرائیل (حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد). وی نگهبان معبد سلیمان در اورشلیم بوده، و پس از اشعیاء نبی علیه السلام به رسالت مبعوث شده است.

۲ تویسرکان یکی از شهرهای استان همدان در ایران است.

۳ کتاب حقوق، سفر سی‌ونجم عهد عتیق و هشتمین سفر از اسفار دوازده پیامبر کوچک بنی اسرائیل و از جمله کتاب‌های مختصر عهد عتیق است. این کتاب منتسب به حقوق‌نبی است و دارای سه باب است.

۴ قدوس یعنی آن فرد مبارکی که وعده آن داده شده.

۵ بخشی از مناظره امام رضا علیه السلام با رأس الجالوت: امام فرمود: «آیا منکر این مطلب هستی که تورات به شما می‌گوید: «نور از جانب طور سینا آمد و از کوه ساعیر بر ما درخشید و از کوه فاران بر ما آشکار گردید؟» رأس الجالوت گفت: با این کلمات آشنا هستم ولی تفسیر آن را نمی‌دانم.» / ابو منصور، «الإحتجاج، الطبرسی»، ص ۴۲۲ / علامه مجلسی، «بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث»، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۶ بنی قریظه، قبیله یهودی ساکن مدینه (یثرب) در نخستین سال‌های پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. آخرین جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله با یهودیان مدینه، با این قبیله بود که غزوه بنی قریظه نام گرفت.

۷ بنی قینقاع، قبیله‌ای یهودی که در روزگار صدر اسلام در مدینه سکونت داشتند. میان بنی قینقاع و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت، پیمانی منعقد شد؛ ولی آنان پیمان خود را شکستند و به دنبال غزوه‌ای محاصره، تسلیم و تبعید شدند.

۸ بنی نضیر، نام یکی از قبیله‌های یهود ساکن مدینه تا نخستین سال‌های هجرت است. آن‌ها پیش از ظهور اسلام در یثرب (مدینه) ساکن شدند.

۹ کشوری در قاره آسیا در جنوب شبه جزیره عربستان که سابقه‌ای دیرینه در اسلام و تشیع دارد و از سال ۲۸۰ق مرکز زبیده و شیعیان زیدی محسوب می‌شود.

بردارید می شود «رامین»، «ر» را بردارید می شود «امین»، «الف» را بردارید می شود «مین»، «م» را بردارید می شود «ین»^۱. «ی» را بردارید می شود «نون»، که می خورید! حالا این ها هم می گویند: «با حذف یک حرف به جایی بر نمی خورد». «ت» تیمان را هم بزنیم، که «یمن» شود! اما در «کتاب مقدس کینگ جیمز»^۲ که در دست است «تیمان» نوشته است.

در صفحه ۸۶ کتاب «مَحْضَر الشُّهُود فی رد الیهود»^۳ آمده است:

«و به هر تقدیر این آیه صریح است که مراد از این نبی موعود پیغمبران بنی اسرائیل نیستند، زیرا که هیچ یک از انبیاء بنی اسرائیل خبر از انجام نداده اند و نفرموده اند که امر عالم و آدم به کجا خواهد رسید و از قیامت مطلقاً گفت و گو در میان ایشان نیست و به اعتقاد بنی اسرائیل بعد از حقوق، پیغمبری مبعوث نشده است.»

عرض کردم در میان یهودیان صحبت از معاد نیست. در تورات اصلاً شما نمی بینید. یک آیه در مورد معاد برای من بیاورید. مطلقاً وجود ندارد. یعنی آخرین پیغمبر بنی اسرائیل حقوق علیه بوده است. چون حضرت عیسی علیه را که اصلاً قبول ندارند. یحیی علیه را هم قبول ندارند. زکریا علیه را هم درست و حسابی قبول ندارند. می گویند: «همه این ها، شیاد بودند.» نعوذ بالله!

«زیرا که دانستی که اعتقاد بنی اسرائیل این است که در بیت المقدس ثانی پیغمبری مبعوث نشد و چنانچه دانستی حقوق بعد از خرابی اول بیت المقدس به این وحی سرافراز گردید و صدق این آیه بر پیغمبر آخر الزمان کمال ظهور دارد زیرا که بیشتر کتاب آن حضرت ذکر قیامت و احکام آخرت است و تمام مردم را دعوت به آخرت می فرمود و فی الحقیقه گفت و گویی به غیر از اینکه باید تدارک سفر آخرت درست کرد، نداشت.»

یعنی آیات کتاب این پیغمبر همه اش در مورد کسی دارد صحبت می کند که او از قیامت دم می زند. می گوید: «ما در پیغمبرهای بنی اسرائیل همچنین کسی را نداریم.» شما بروید قرآن را بخوانید، کلی از آیات قرآن در مورد قیامت و معاد است.

ای دیده بان از شب چه خبر؟ دیده بان می گوید که صبح می آید و شام نیز. اگر پرسیدن می خواهید برسید و بازگشت نموده ببایید. وحی درباره عرب: ای قافله های ددانیان^۴ در جنگ عرب منزل کنید. ای ساکنان زمین تیمان، تشنگان را با آب استقبال کنید و فراریان را به خوراک ایشان پذیره شوید زیرا که از ایشان فرار

۱ واحد پول ژاپن.

۲ معتبرترین ترجمه کتاب مقدس به زبان انگلیسی، که در سال ۱۶۱۱ میلادی توسط بیش از ۴۰ مترجم و با اجازه شاه "جیمز اول" تهیه گردید. این ترجمه در سال ۱۹۸۲ بازنگری شد و با عنوان "نسخه جدید کینگ جیمز" روانه بازار شد.

۳ «محضر الشهود فی رد الیهود» در نقد یهودیت و تأیید اسلام، نوشته حاج بابا قزوینی یزدی؛ اولین متن به زبان فارسی است که از وجود کتاب «وحی کودک» خبر داده و آن را معرفی کرده است.

۴ حضرت یحیی بن زکریا علیه از پیامبران بنی اسرائیل که در کودکی به نبوت رسید. ماجرای تولد یحیی با وجود پیری پدر و نازایی مادر در قرآن آمده است. وی به دست پادشاه زمانش سر بریده شد.

۵ زکریا بن برخیا علیه از پیامبران بنی اسرائیل بود. او رئیس راهبان و خدام بیت المقدس بود و مردم را به شریعت حضرت موسی علیه دعوت می کرد.

۶ ددان، (ارمیا ۲۳: ۲۵ و ۴۹: ۸) مقطعه ای از بلاد عرب می باشد که در جنوب زمین ادوم واقع و ذریه ابن ریشان بن ابراهیم در آنجا سکونت ورزیدند. (سفر پیدایش ۳: ۲۵). اما ددانیان (اشعیا ۳: ۲۱) یا ددانیم (پیدایش ۴: ۱۰) همان ساکنان ددان می باشند. (قاموس کتاب مقدس).

می‌کنند. از شمشیر برهنه و کمان زده شده و از سختی جنگ. زان‌رو که خداوند به من گفته است: «بعد از یک سال موافق سال‌های مزدوران، تمامی شوکت قیدار تلف خواهد شد. بقیه شماره تیراندازان و جباران بنی‌قیدار قلیل خواهد شد چون که یهوه خدای اسرائیل آن را گفته است.» (کتاب اشعیای نبی، باب ۲۱، آیه ۱۱ تا ۱۷)

یک وعده داد که در میان اعراب، در اطراف مدینه یعنی در تیمان، جنگی درمی‌گیرد و فرزندان مشرک قیدار از بین می‌روند. این عین جنگ‌های پیامبر ﷺ است، که با اعراب مشرک کرد. با عموهایش جنگید؛ با ابوجهل^۲، ابولهب^۳ و ابوسفیان^۴ جنگید. که این‌ها همه از قریش بودند و قریش هم از قیدار بود. می‌گوید: «آن فرزندان مشرک قیدار توسط آن کسان دیگرشان که وعده داده می‌شود از بین خواهند رفت.» و این اتفاق افتاد. اسم مدینه را هم آورده است. دیگر چه اتفاقی باید بیفتد تا ما باور کنیم؟

اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نو اعلام می‌کنم و قبل از آن که به وجود آید شما را از آن‌ها خبر می‌دهم. ای شما که به دریا فرود می‌روید و ای آن‌چه در آن است، ای جزیره‌ها و ساکنان آن‌ها سرود نو را به خداوند و ستایش وی را از اقصای زمین بسرایید. صحرا و شهرهایش و قریه‌هایی که اهل قیدار در آن‌ها ساکن باشند، آواز خود را بلند نمایند. (اشعیای نبی، باب ۴۲، آیات ۹ تا ۱۱)

رسماً باز اشاره می‌کند که قیدار جایی است که بچه‌های آن‌ها آن‌جا ساکن هستند. در (باب ۲۱ کتاب اشعیای نبی)، رسماً وحی درباره عرب گفته شد. گفت: «در میان اعراب این اتفاق می‌افتد.»

زیرا که حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون این‌جا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود، زیرا که با لب‌هایی آلکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهد نمود.

یعنی سراغ آن‌ها می‌آید و قانون جدید می‌آورد. به زبانی صحبت می‌کند که شبیه زبان شماست، اما زبان دیگری است. نگفت یک زبان کاملاً مجزا. می‌دانیم که عربی و عبری ریشه واحد دارند، بسیار به هم شباهت ریشه‌ای دارند، اما در کلام، یک عرب حرف عبری بشنود زیاد متوجه نمی‌شود. بعضی کلمات مشترک هستند. می‌گوید: «به زبانی صحبت می‌کند که از نگاه شما زبان آلکن است.»

۱ لقب حضرت یعقوب علیهم‌السلام.

۲ ابوالحکم عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی مشهور به «ابوجهل» از اشراف قریش و از مشرکان معروف مکه بود که به همراه عده‌ای از سران شرک، در جنگ بدر به هلاکت رسید.

۳ عبدالغزی بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف معروف به ابولهب، عموی پیامبر ﷺ بود. این مرد تا هنگام مرگ یکی از بزرگترین و سخت‌ترین دشمنان پیامبر ﷺ بود.

۴ ضحربن خرب بن أمیه بن عبدالمطلب، معروف به ابوسفیان، از بزرگان معروف و از بزرگان قریش در زمان پیامبر اسلام ﷺ و از دشمنان آن حضرت.

که به ایشان گفت راحت همین است. پس خسته شدگان را آرام سازید و آرامی همین است اما نخواستند که بشنوند.

چه قدر جالب، می گوید: «اما این ها نمی شنوند. نخواستند که این حقیقت را بشنوند»

و کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم، حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون، اینجا اندکی و آن جا اندکی خواهد بود، تا بروند و به پشت افتاده منکسر گردند و به دام افتاده گرفتار شوند. (کتاب اشعیای نبی - باب ۲۸ - آیات ۱۰ تا ۱۳)

می گوید: «به خاطر این کارهایی که کردند، تکه پاره می شوند، پخش می شوند. به دام می افتند.» این یک حقیقتی است که اتفاق افتاد. بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع هر سه با پیامبر ﷺ جنگیدند، در حالی که می دانستند پیامبر است. هر سه تا جنگیدند و دوبار پیامبر ﷺ این ها را بخشید. فکر کن کسی که اسلحه به دست گرفته است را پیامبر ﷺ بخشیده است.

در این فیلم دارد پیامبر ﷺ را اهل جنگ نشان می دهد. اما نمی گوید چه کسی جنگ را شروع کرد، که پیامبر ﷺ از خودش دفاع کرد. دوبار این ها را بخشید. بار سوم در جنگ احزاب^۱ از پشت به زن ها حمله کردند، که صفیه^۲ عمه پیامبر ﷺ شمشیر می کشد و می رود می جنگد. زن شمشیر به دست می گیرد! آنجا دیگر پیامبر ﷺ می گوید: «من با شما چه کار کنم؟» از این سه تا قبیله دوتا از آن ها (بنی قریظه - بنی نضیر)، عهد اخوت و برادری با اوس^۳ بسته بودند و یکی از آن ها (بنی قینقاع) با خزرج. این ها دو دفعه قبل می دانید چگونه جان سالم به در می بردند؟ می گفتند: «این اوس و خزرجی ها مسلمان شدند دیگر، ما عهد اخوت و برادری داریم. آدم برادر خودش را که نمی کشد.» این دفعه هم همین پولتیک^۴ را زدند. پیامبر ﷺ به رئیس قبیله اوس که در همین جنگ زخمی شده بود و روی برانکارد بود، فرمود: «این ها را چه کار کنیم؟» او گفت: «اگر من حکم بدهم می پذیرید؟» یهودی های شمال مدینه گفتند: «بله، مثل دو دفعه قبل قیس^۵ درمی رویم!» رئیس قبیله گفت: «همه آن ها را بکشید.» این ماجرای که می گویند: «پیامبر ﷺ خیلی گشت.» درست نیست، این ها خودشان، خودشان را زدند کشتند.

۱ غزوه خندق، از غزوات پیامبر ﷺ در سال پنجم هجری قمری با مشرکین و احزاب مخالف از جمله یهود می باشد و به جنگ احزاب نیز معروف است.

۲ صفیه دختر عبدالمطلب (۵۳ قبل از هجرت - ۲۰ هجری) عمه پیامبر اسلام ﷺ و مادر زبیر بن عوام و خواهر حمزه از زنان نامدار تاریخ صدر اسلام است.

۳ ابن هشام، «السیره النبویه، دار المعرفة» ج ۲، ص ۲۲۸ / طبری، «تاریخ الأمم و الملوک» ۱۹۶۷ م، ج ۲، ص ۵۷۷.

۴ اوس و خزرج، دو تیره مهم از اعراب یمانی که از مدت ها پیش از ظهور اسلام، در شهر یثرب (مدینه) ساکن شدند و پس از هجرت، آن ها را «انصار» خواندند. نقش این دو قبیله در تاریخ اسلام مخصوصاً در جریان هجرت پیامبر ﷺ و جنگ های مختلف برجسته است.

۵ Politic: به معنای سیاست.

دست بر گردن دشمنان خواهد بود و پسران پدرت تو را تعظیم خواهند کرد. یهودا شیر بچه‌ای است، ای پسر من از شکار برآمدی، مثل شیر، خویشتن را جمع کرده در کمین می‌خوابد و چون شیر ماده‌ای است. کیست او را بر می‌انگیزاند؟ عصا از یهودا دور نخواهد شد. و نه فرمان‌فرمایی از میان پای‌های وی تا شیلو^۱ بیاید. و مر او را اطاعت امت‌ها خواهد بود. (کتاب پیدایش - باب ۴۹ - آیات ۸ تا ۱۰)

این را حضرت یعقوب علیہ السلام دارد پیش‌گویی می‌کند. می‌گوید: «عصا، قدرت و پادشاهی از یهودا دور نمی‌شود و تمام امت‌ها شیلو را اطاعت خواهند کرد.» در مورد اینکه این شیلو کیست، حرف زیاد است. بعضی‌ها می‌گویند: «حضرت عیسی علیہ السلام است.» اما ما می‌دانیم حضرت عیسی علیہ السلام از فرزندان یهودا است. در حالی که می‌گوید: «با آمدن شیلو، یهودا از تو دور می‌شود. دیگر او نیست.» پس یک کس دیگری است که منجی است، قرار است بیاید و بعد از او به یهودا دیگر پیغمبری و حکومتی و هیچ چیزی نمی‌رسد. هیچ چاره دیگری نیست چون از نگاه آن‌ها بعد از حضرت عیسی علیہ السلام پیغمبری نداشتیم، یا آقا رسول الله ﷺ است یا آقا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه. به هیچ وجه از این دو حالت خارج نیست، حالت سوم اصلاً پیش نمی‌آید.

و نهالی از تنه یسی^۲ بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد.

خوب دقت کنید ببینید در مورد چه کسی دارد صحبت می‌کند.

به جهت مظلومان، زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری (گوسفند پروار شده) و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند. گاو با خرس خواهد چرخید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو، کاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد!

یعنی بچه کوچک، انگشت در سوراخ مار می‌کند و آن مار هم به او کاری ندارد.

و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خدا پر خواهد بود. مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند و در آن

۱ یکی از نام‌های مصلح جهانی در کتب مقدس، «شیلو» است. «شیلو» یعنی کسی که دارای حق است و صلح و سلامتی می‌آورد.

۲ ایشا یا یسی، نام پدر حضرت داوود علیہ السلام، پیامبر یهود.

روز واقع خواهد شد که ریشه یسی به جهت علم یا علم قوم‌ها برپا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود. (کتاب اشعیاء_ باب ۱۱_ آیات ۱ تا ۱۰)

این آیات رسماً و قطعاً آخر الزمان است، یعنی تا الآن حتی در زمان پیامبر ﷺ هم همچنین اتفاقی نیفتاده است. حضرت عیسی (علیه السلام) آمده، اما این اتفاقات نیفتاده است. یا ممکن است در بازگشت دوم، یعنی رجعت^۱ عیسی (علیه السلام) باشد و یا این آیات به آقا صاحب الزمان (علیه السلام) اشاره دارد. و دلیل هم داریم. ما روایت داریم که می‌گوید:

«وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ؛^۲ درندگان کنار هم آرام می‌گیرند.»

این را نمی‌دانیم یعنی چه؟ مثلاً شیر گوشت نمی‌خورد به او سویا می‌دهیم؟! چه کار می‌کنیم؟ آیا مثال از این است که عدالت و مهربانی زیاد می‌شود؟ شاید این باشد. اما یک سری اتفاقات هم افتاده است، مثلاً الآن خون مصنوعی تولید کردند. به این دقت بفرمایید. شاید هم بشود. ما نمی‌دانیم.

جالب است بدانید امام زمان (علیه السلام) هم یک رگه از سمت مادر به حضرت داوود (علیه السلام) می‌رسد. نرجس خاتون (علیها السلام) از فرزندان شمعون^۴ است. شمعون، پسر عمه حضرت مریم (علیها السلام) است که نسبشان به حضرت داوود (علیه السلام) می‌رسد. می‌گوید: «تنه‌ای از شاخه یسی» یسی پدر حضرت داوود (علیه السلام) است.

امت‌ها را منقطع ساخته‌ام که برج‌های ایشان خراب شده است و کوچه‌های ایشان را چنان ویران کرده‌ام که عبورکننده‌ای نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: «کاش که از من می‌ترسیدی و تادیب را می‌پذیرفتی. تا آنکه مسکن او معدوم نمی‌شد، موافق هر آنچه بر او تعیین نموده بودم.» لکن ایشان صبح زود برخاسته، اعمال خود را فاسد گردانیدند. بنابراین خداوند می‌گوید: «برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم زیرا که قصد من این است که امت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد. زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امت‌ها باز خواهد

۱ رجعت از اعتقادات شیعه، به معنای زنده‌شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا در دوران ظهور حضرت مهدی (علیه السلام). از احادیث برمی‌آید که رجعت اختصاص به مسلمانان ندارد. برای مثال در برخی احادیث، به بازگشت دانیال، یوشع، عیسی و خضر (علیهم السلام) اشاره شده است.

۲ «روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه‌ها از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز نمایند. تا آنجا که زنی از عراق تا شام را بییماید و جز بر سبزه‌زار گام نگذارد و زیت و آرایش خود را بر سر داشته باشد [و کسی به آن طمع ننماید] و هیچ درنده‌ای او را آشفته نسازد و او نیز از هیچ چیز نهراسد.» / «الخصال»، ج ۲، ص ۶۲۶ / «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۳ مادر امام زمان (علیه السلام) و بنابر نظر مشهور کنیز امام عسکری (علیه السلام). بنابر برخی از منابع کهن شیعه، مادر امام زمان، شاهزاده‌ای رومی به نام ملیکه (ملیکا) بنت یشوع، نوه دختری قیصر روم بوده که نسب مادرش به شمعون، یکی از حواری عیسی (علیه السلام) می‌رسد.

۴ شمعون بن حمون معروف به پطرس، وصی و برترین حواری حضرت عیسی (علیه السلام). وی پسرعموی حضرت مریم (علیها السلام) بود. در برخی روایات از وی به عنوان پسرعمه و گاه برادرزاده حضرت مریم (علیها السلام) یاد شده است.

داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند. (کتاب صَفْنِیای نبی^۱ - باب ۳ - آیات ۶ تا ۹)

می گوید: «وقتی که می آید، همه را به یک دین درمی آورد.» در قرآن هم آمده است:

﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۲

تک تک این هایی که دارم می گویم، می روم در سایت ها، زبان شناسی می کنم، کار را بررسی می کنم. این کلمات واژه شناسی می شود.

یکی از ویژگی های حضرت موسی (علیه السلام) این بود که خدا وحی را در دهان او می گذارد. در آیه قبلی هم به لب های پاکیزه اشاره کرد. جالب است ما در قرآن کریم هم عین این عبارات را داریم:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾^۳

یا در آیه دیگر:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ بگو خدا یکتاست﴾

این ﴿قُل﴾ اولش یعنی امانت داری در سخن پیامبر ﷺ تا حدی است که آن ﴿قُل؛ بگو﴾ را هم می گوید. که حالا این «بگو» را یا خدا به جبرئیل گفته، یا جبرئیل دارد به پیامبر می گوید. پیامبر ﷺ در نگه داشتن همین ﴿قُل﴾ هم خیانت نکرده است. شبیه یک ترنسلیتور^۴ فقط ترجمه کرده است، عیناً انتقال داده است. مثل یک شارژری که برق قوی را گرفت، یک مقدار به فهم ما تبدیل کرد و به ما داد. حتی کلمه ﴿قُل﴾ را هم، عیناً می گوید. همان طور که در کتاب تثنیه آمده است:

و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت. (کتاب تثنیه - باب ۱۸ - آیه ۱۸)

۱ صَفْنِیای سی و ششمین کتاب از سری کتب، کتاب مقدس به شمار می رود که در ردیف کتاب های عهد قدیم قرار گرفته و دارای ۳ باب است.

۲ سوره فتح، آیه ۲۸ / سوره صف، آیه ۹ / سوره توبه، آیه ۳۳: «تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند.»

۳ سوره کافرون، آیه ۱: «بگو ای کافران!»

۴ سوره اخلاص، آیه ۱.

۵ Translator: مترجم.

نکته دیگر در مورد مرکب هاست که مرکب حضرت عیسی (علیه السلام) الاغ و مرکب پیامبر ﷺ شتر بود. در "عهد عتیق" آمده است:

و چون فوج سواران جفت جفت و فوج الاغان و فوج شتران را ببند آنگاه به دقت تمام توجه بنماید. (کتاب اشعیای نبی - باب ۲۱ - آیه ۷)

می گوید: «بعد از موسی (علیه السلام)، آن پیغمبرهای بزرگ می آیند که یکی سوار بر درازگوش و دیگری سوار بر شتر است.»

Masafir

فصل دوم

پیامبر ﷺ در عهد جدید



کتاب انجیل یوحنا

در عهد جدید هم صحبت شده است. حضرت عیسی (علیه السلام) در انجیل یوحنا می گوید:

این را به شما گفتم تا لغزش نکنید. شما را از کنایس (کنیسه ها) بیرون خواهند نمود، بلکه ساعتی می آید که هر که شما را بکشد گمان برد که خدا را خدمت می کند.

دقیقاً همین اتفاق افتاد. بعد از حضرت عیسی (علیه السلام)، یهودیان شروع به کشتن مسیحی ها کردند. و لِّلّهُ هم می کشتند!

و این کارها را با شما خواهند کرد و به جهت آن که نه پدر را شناختند و نه مرا. لیکن این را به شما گفتم تا وقتی که ساعت آید، (آن اتفاق بیفتد.) به خاطر آورید که من به شما گفتم و این را از اول به شما نگفتم زیرا که با شما بودم. اما الآن نزد فرستنده خود می روم و کسی از شما از من نمی پرسد: «به کجا می روی؟» و لیکن چون این را به شما گفتم دل شما از غم پر شده است.

می گوید: «چون به شما گفتم الآن می خواهم بروم، شما ناراحت شدید، اما ناراحت نباشید چون می خواهم به شما یک مژده بدهم.»

و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد.

یعنی می گوید: «تا من نروم، آن فارا کلیط نمی شود بیاید. باید من نباشم که او بیاید.» می دانید مسیحی ها فارا کلیط یا همان تسلی بخش را چه ترجمه می کنند؟ می گویند: «روح القدس^۲ یا همان جبرئیل است.» ما می گوییم مگر قبل از آن با عیسی (علیه السلام) نبوده است؟ مگر همراه عیسی (علیه السلام) نبوده است؟ چرا عیسی (علیه السلام) می گوید: «شرط آمدن او این است که من باید بروم؟» پس اصلاً یک نفر دیگر است. یک کسی که آن موقع وجود ندارد و نیست.

۱ به نیایش گاه یهودیان و یا محل اجتماعات دینی یهودیان گفته می شود.

۲ در باور مسیحیان، روح القدس خداست، اما در باور مسلمانان روح القدس، یکی فرشته وحی جبرئیل، و دیگری نیروی مرموز غیبی خاصی که با انبیاء بوده است.

چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی آورند.

یعنی می گوید: «آن‌ها که گناه می کنند پدرشان را درمی آورد، چون به من ایمان نیاوردند.»

و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم. لکن الآن تحمل آن‌ها را ندارید.

به حواریونش^۱ می گوید: «الآن جنبه‌اش را ندارید به شما بگویم.»

ولیکن چون او یعنی فاراقلیط^۲ آید. و چون فاراقلیط (پاراقلیط) بیاید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آن چه شنیده است سخن خواهد گفت.

حضرت عیسیٰ (علیه السلام) رسماً دارد می گوید: «بعد از من یک کسی به اسم پاراقلیط می خواهد بیاید که از پیش خودش حرف نمی زند. عین آنچه را که گرفته است، می گوید.

و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. (انجیل یوحنا^۳ - باب ۱۶، آیات ۱ تا ۱۴)

می گوید: «او مرا هم تأیید می کند.» در قرآن داریم:

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾^۴

می گوید: «وقتی آمدم مرا قبول نکردند و گفتند: «این سحر آشکار است.»»

ما عین آیه‌اش را با اسم «احمد» داریم. "فاراقلیط" یعنی تسلی بخش و "پراقلیط" یعنی ستوده. حضرت عیسیٰ (علیه السلام) به زبان یونانی صحبت نمی کرد، او به زبان آرامی^۵ صحبت می کرد. انگار که ما بیابیم مثلاً "علی" به معنی بالا، بزرگ و بلندمرتبه را "بلندمرتبه" بگوییم، بعد بیابیم سر اینکه اینجا چرا "ل" دارد، چرا "ب" دارد، بحث کنیم، خیلی این کار احمقانه است. ما باید

۱ حواریون، دوازده یار حضرت عیسیٰ (علیه السلام) که از شاگردان خاص و رسولان وی نیز بوده‌اند.

۲ فاراقلیط تلفظ عربی کلمه پاراکلیتوس یونانی است که در انجیل یوحنا آمده و در فرهنگ مسیحی به معنای «تسلی دهنده» تفسیر شده است. به اعتقاد مسیحیان مراد از آن روح القدس است ولی مسلمانان اعتقاد دارند که این واژه در واقع شکل تحریف شده یا اشتباه آمیز واژه پریکلوئوس به معنای بسیار ستوده شده [احمد] و مقصود از آن پیامبر اسلام ﷺ است.

۳ کتاب انجیل یوحنا چهارمین انجیل از کتب عهد جدید و دارای ۲۱ باب است و به لحاظ ساختار و محتوا با سه انجیل هم نظر یعنی متی، مرقس و لوقا، متفاوت است.

۴ سوره صف، آیه ۶: «یاد کن هنگامی که عیسی بن مریم (علیه السلام) گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده خدا به سوی شما، تورات که پیش از من بوده، تصدیق می کنم، و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش «احمد» است، مژده می دهم. ولی هنگامی که [احمد] دلایل روشن برای آنان آورد، گفتند: این جادویی است آشکار!!»

۵ زبان اصلی بخش عمده‌ای از کتاب‌های آسمانی دانیال و عزرا و زبان کتاب تلمود است. آرامی را زبان حضرت عیسیٰ (علیه السلام) دانسته‌اند و امروزه هنوز زبان مادری اقلیت‌های کوچک متعددی است.

روی "ع" و "ل" و "ی" بحث کنیم. آن‌ها اسم را معنی کردند. احمد را به عنوان اسم نیاوردند، بلکه احمد و محمد را معنی کردند، گفتند ستوده. ستوده و تسلی بخش در زبان یونانی بسیار به هم شبیه هستند. پَرکلیط، پَرکلیط، یک آبشودا. به جایش این را گذاشت، گفت: «تسلی بخش خواهد آمد.» در جای دیگر انجیل یوحنا آمده است:

لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم بیاید یعنی روح راستی که از پدر صادر می گردد او بر من شهادت خواهد داد. و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از ابتدا با من بودید. (انجیل یوحنا، باب ۱۵، آیات ۲۶ و ۲۷)

از حواریونش در مورد آن فردی که در آینده خواهد آمد، قول گرفت. در مورد اینکه آیا این‌ها می‌توانند کسانی دیگر باشند، من بحث دارم.

دلایلی برای اینکه فارقلیط نمی‌تواند روح القدس باشد:

۱. در این آیات خبر از آمدن کسی می‌دهد که رفتن مسیح (علیه السلام) در مقابل آمدن او سودمند و مفید است. آیا به اعتقاد مسیحیان، روح القدس آن قدر اهمیت دارد و آن قدر مفید است که آمدن او از فقدان مسیح (علیه السلام) سودمندتر است؟ در حالی که عین آیه می‌گوید: «بودن او حتی از بودن مسیح (علیه السلام) سودمندتر است.» آیا روح القدس این قدر مهم است؟ پس مسیح (علیه السلام) می‌خواستید چه کار؟! جبرئیل که از اول برای خودش بود، می‌آمد وحی می‌آورد و می‌رفت. خب همین را می‌گرفتید! استدلال است دیگر، دلیل می‌خواهیم.

۲. در مورد فارقلیط آمده است که او جهانیان را به گناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت. آیا اصلاً روح القدس توانایی همچین کاری دارد؟ اگر می‌توانست قبل از این، این کار را می‌کرد. مگر از اول خلقت نبوده است؟ روح القدس که اجازه و توان همچین کاری را ندارد. اصلاً برای این کار آفریده نشده است. او فرشته وحی است. آیا به عقیده خود مسیحیان، روح القدس توان انجام همچین کاری را دارد؟ تازه روح القدسی که تجلی اش فقط بر یک عده خاص یعنی بر پیامبران و برخی افراد غیر پیامبر بوده است. او بر کل عالم می‌خواهد همچین کاری کند.

۳. در این آیات آمده است که او درباره مسیح (علیه السلام) شهادت می‌دهد و او را تصدیق خواهد کرد. حال آنکه چنین چیزی اصلاً در مورد روح القدس گزارش نشده است. اصلاً حواریون برای قبول کردن حضرت مسیح (علیه السلام) نیازی به شهادت روح القدس داشتند؟ یعنی قبل از آنکه حضرت مسیح (علیه السلام) را به عنوان پیغمبر قبول کردند، روح القدس آمد گفت: «قبول کنید، ایشان پیامبر است!»؟ آیا می‌توانیم باور کنیم که حواریون در حقایق حضرت مسیح (علیه السلام) شک داشتند، چون قبل از او روح القدس نیامده و این‌ها روح القدس را ندیده بودند؟ اگر شک داشتند تمام این اناجیلی که نوشتید جمع کنید. چون این‌ها نوشتند. اگر نداشتند، چطور می‌خواهید این پارادوکس را حل کنید؟

۴. در این آیات، آمدن فارقلیط مشروط به رفتن مسیح (علیه السلام) است. در حالی که ما می‌دانیم روح القدس همراه حضرت عیسی (علیه السلام) بوده و آمدن یا رفتن او هیچ ربطی به حضرت مسیح (علیه السلام) ندارد.

بعضی از آن‌ها گفتند: «منظور، تجلی خاص روح القدس بر حواریون است که اتفاق افتاده است.» اما باز این هم با کلام حضرت عیسی (علیه السلام) سازگاری ندارد. او می‌گوید: «تا من نروم او نمی‌آید.» اگر روح القدس بود، باید می‌گفت: «تا من نروم او بر شما تجلی نخواهد کرد.» آمدن یا نیامدنش را بحث کرده است، نه تجلی کردن یا تجلی نکردنش را.

۵. حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید:

«من همه چیز را از پیش به شما گفتم تا وقتی واقع می‌شود به آن ایمان بیاورید.» (انجیل یوحنا- باب ۱۴- آیه ۲۹)

این‌ها می‌گویند: «بعد از پیامبر، روح القدس در روز پنتیکاست^۱ بر حواریون آمده است.» آیا نزول روح القدس مسئله‌ای بود که امکان انکار آن می‌رفت و حضرت مسیح (علیه السلام) حواریون را از آن نهی کرده بود؟ اینکه اصلاً خیلی احمقانه است و جور در نمی‌آید.

۶. حضرت عیسی (علیه السلام) در مورد فاراقلیط گفته است: «او عالمیان را توبیخ می‌کند.» که این بهترین گواه بر این ادعاست که بدون شک او روح القدس نیست، چون روح القدس توان همچین کاری ندارد. اگر می‌توانست قبلاً این کار را می‌کرد. برخلاف این، پیامبر اسلام ﷺ آمد و یهودیان را به خاطر ایمان نیاوردن به حضرت عیسی (علیه السلام) توبیخ و سرزنش کرد. آیه قرآن داریم که برایشان استدلال می‌کند و می‌گوید:

یهودیان گفتند: «معجزه بیاور.» گفت: «آن همه پیغمبر برایتان معجزه آورد، چرا به آن‌ها ایمان نیاوردید؟»^۲

۷. وجود افرادی که ادعا کردند فاراقلیط موعود هستند، مثل منتس^۳ و افراد دیگر نشان می‌دهد که فاراقلیط، موعود و منجی است و همه منتظرش بودند. منتها بعد از آمدن پیامبر ﷺ دیگر مجبور شدند دست به پاک‌کن و دست به قلم شوند! آ، اُ، اُ را عوض کنند. چون نمی‌خواستند بپذیرند. البته قبل از اینکه پیامبر ﷺ بیاید این را می‌گفتند. در انجیل به وضوح صحبت از این شده است که بعد از حضرت عیسی (علیه السلام) یک پیغمبر دیگر می‌آید. حتی جالب است بدانید که در انجیل صحبت از این است که وقتی حضرت مسیح (علیه السلام) آمد به او گفتند: «تو کدام پیغمبر هستی؟ به ما دو نفر را وعده دادند که می‌آید.» یکی خود حضرت عیسی (علیه السلام) است که وعده داده شده است- یک جلسه بگذارید ما بباییم حضرت عیسی (علیه السلام) را در تورات نشان بدهیم- اما یک پیغمبر دیگر هم هست. به حضرت یحیی (علیه السلام) هم گفتند:

۱ عید گلریزان (پنجاهه / پنتیکاست) عیدی است که مسیحیان به عنوان یادبود نزول روح القدس بر حواریون مسیح (علیه السلام) بر پا می‌دارند.

۲ اشاره به سوره آل عمران، آیه ۱۸۳ و سوره بقره، آیه ۹۱.

۳ منتس، مردی مسیحی که پارسا و اهل ریاضت شدید بود، در سال ۱۷۷۲م در آسیای صغیر ادعا کرد همانا من فاراقلیط، موعود مسیحیم که شما مسیحیان در انتظارش به سر می‌برید. سپس طایفه‌ای از آنان به وی ایمان آوردند.

«تو ماشیح^۱ هستی؟» گفت: «نه.» گفتند: «آن پیغمبر هستی؟» گفت: «نه.» گفتند: «پس تو چه کسی هستی؟» یعنی منتظر دو تا پیامبر بودند. آقای مکینزی^۲ در «Dictionary of the Bible» رسماً می‌گوید:

«ما اصلاً تصویر مناسبی از روح القدس در آیاتی که مربوط به فاراقلیط است نداریم.»

این هم اعتراف خود متخصصین کتاب مقدس است. این دلایل نشان می‌دهد که یک فرد و یک آدم است که بعد از آن خواهد آمد، اما حضرت عیسی (علیه السلام) کلام را جوری انتخاب کرده است که به دو نفر می‌خورد، هم به آقا رسول الله (صلی الله علیه و آله)، هم به امام دوازده (علیه السلام). از این جهت که فاراقلیط ترجمه اسم عربی محمد یا احمد است. و هر دو در نام محمد مشترک هستند. در انجیل آمده بود: «من شما را به آمدن فاراقلیط دیگری وعده می‌دهم.» اول از یک فاراقلیط و از یک محمد صحبت می‌کند، و باز وعده می‌دهد که یک محمد دیگری هم خواهد آمد که بعد می‌گوید: «او کسی است که مرا جلال خواهد داد.» یعنی او کسی است که من هم با او هستم. شما آیات مربوط به ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) را در انجیل بخوانید. در آنجا به جلال خودش وقتی می‌خواهد روز موعود بیاید، اشاره می‌کند. به آن محمد هم اشاره شده است.

این قدر آیات در مورد فاراقلیط زیاد است که آدم نمی‌داند کجایش را بگوید.

اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند.

"عطا خواهد کرد." به خدا اشاره دارد. ویژگی آن تسلی دهنده دوم، یا محمد دوم این است که او همیشه با شما می‌ماند. ما دیدیم آقا رسول الله (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد و از پیش ما رفت. اما آن دومی با ما خواهد ماند.

یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود. (انجیل یوحنا- باب ۱۴- آیات ۱۵ تا ۱۷)

می‌گوید: «او در حالی می‌آید که با شماست و بینتان است.» این عجیب با روایت امام صادق (علیه السلام) هم خوانی دارد، که امام صادق (علیه السلام) در مورد امام زمان (علیه السلام) فرمود:

«در بازارهای شما قدم برمی‌دارد. بر روی فرش‌های شما گام می‌گذارد.»^۳

نکته بعد، صحبت از منتظرماندن برای فاراقلیط است. منتظر باشید که او بیاید. در اینجا باز اشاره به آقا صاحب الزمان (علیه السلام) پررنگ‌تر است و حتی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) هم می‌تواند باشد.

۱ ماشیح یا مسیح، کسی است که به اعتقاد یهودیان ظهور خواهد کرد و نجات‌دهنده آن‌ها خواهد بود.

۲ John L. McKenzie: جان لاورنس مکینزی کشیش برزیلی (۱۹۱۰-۱۹۹۱) که کتاب دیکشنری انجیل را در سال ۱۹۶۵ منتشر کرد.

۳ «صاحب این امر، در میان آنان، راه می‌رود و در بازارهایشان رفت‌وآمد می‌کند، روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد و آنان او را نشناسند تا اینکه خداوند او را اجازه فرماید که خودش را معرفی کند همان‌گونه که خداوند یوسف (علیه السلام) را اجازه فرمود...» / «الغیبه للنعمانی»، صص ۱۶۳ - ۱۶۴.

نکته جالبتر اینکه بعد از مراجعه به نسخه‌های آرامی، همان زبانی که حضرت عیسی (علیه السلام) با آن صحبت می‌کرده است، کلمه‌ای که پاراقلیط را از آن ترجمه کرده بودند این دو کلمه بود: «مَحْمَدِهی، حَمْدِهی» اصلاً خود محمد استفاده شد. این کتاب در غاری در نزدیکی بحرالمیت^۱ اردن پیدا شد. می‌توانید اخبارش را از رسانه‌ها پیگیری کنید. منتها صهیونیست‌ها سریع روی آن دست گذاشتند و برای خریدش قیمت‌های خیلی فضایی دادند که پخش نشود، اما اخبارش درز کرد. البته فقط آن نبوده است. انجیل‌های آرامی دیگری هم هست که نام محمد کاملاً برابر با فاراقلیط استفاده می‌شود.

کتاب "انیس‌الاعلام" نوشته "فخرالاسلام" را بخوانید. فخرالاسلام مسیحی مسلمان‌شده اهل ارومیه بود که برای تحصیل تا واتیکان می‌رود. ایشان در حوزه علم مسیحیت بسیار باهوش بود. یک اتفاقی در زندگی‌اش می‌افتد که برمی‌گردد. من یک بخشی از آن را که خود آن شخص نقل می‌کند در واتیکان^۲ چه دیده است را از روی کتابش عیناً برایتان می‌خوانم. می‌توانم داستانش را تعریف کنم، اما می‌خواهم در کلام امانت‌داری کنم. شاید یادی هم از او شود، خوب باشد. خیلی جالب است. درمورد ماجرای که آنجا در باب فاراقلیط بحث شده بوده، می‌گوید: «خود مسیحی‌ها خبر دارند، بزرگان‌شان می‌دانند معنی فاراقلیط چیست، اما متأسفانه نمی‌دانم چرا قبول نمی‌کنند.»

بعد از ورودم به واتیکان نزد استادان آن دیار به تحصیل علوم مسیحیت پرداختم. به‌ویژه استادی از فرقه کاتولیک^۳ که از نظر موقعیت اجتماعی دارای مقامی والا بود و در زهد و تقوا شهرتی بسزا داشت. از این روی دارای مریدان و پیروان فراوانی از فرقه کاتولیک بود. عوام و خواص از اعیان و اشراف و صاحب‌منسبان این فرقه نزد او حاضر و هدایایی نفیس به او تقدیم می‌کردند و از طرفی او از نظر علمی مراتب عالی را طی کرده و از استادان معروف بود و هر روز صدها نفر روحانی زن و مرد در درس او حاضر شده، از تعلیمات معارف عالی او با اشتیاق کامل بهره می‌بردند. در میان شاگردان خود به من عنایت خاصی داشت از این رو علاوه بر اظهار محبت نسبت به من، تمام کلیدهای محل سکونت خود را نیز به من داده بود، جز کلید یک اتاق کوچک که تنها نزد خودش نگاه می‌داشت. از اینکه کلید آن اتاق کوچک را به من سپرده بود در دلم به او بدبین شدم و دائم پیش خود می‌گفتم لابد در آن اتاق اشیاء قیمتی اهدایی را ذخیره کرده است و نمی‌خواهد من آن‌ها را ببینم، پس زهد را برای دنیا می‌خواهد. این احساس درونی خود را هرگز بروز ندادم تا اینکه روزی استاد کسالت پیدا کرد و در کلاس درس حاضر نشد. مرا طلبید و گفت: «به شاگردان بگو من کسالت دارم و نمی‌توانم در درس حاضر شوم و به آن‌ها بگو بروند.» و من از نزدش بیرون آمدم. دیدم شاگردان درمورد مسائل مختلف دینی به مباحثه مشغول هستند. تا اینکه بحث آن‌ها به لفظ "فاراقلیط" رسید که در انجیل

۱ Dead Sea: یا «دریای مُرده» یا «بحرالمیت» برخلاف نامش، دریاچه‌ای پر آب، در مرز اردن و فلسطین است.

۲ واتیکان، کوچک‌ترین کشور جهان که درون شهر رم، پایتخت ایتالیا واقع شده و مرکز فعالیت کلیسای کاتولیک‌های جهان و محل اقامت پاپ است.

۳ از فرقه‌های سه‌گانه مسیحیت که به پاپ عقیده دارند، از او اطاعت می‌کنند و مدعی‌اند دارای سنت تاریخی و مستمر ایمان و عملند.

چهارم (یوحنا) باب ۱۴، ۱۵ و ۱۶ حضرت عیسی (علیه السلام) آمدن او را بشارت داده بود. هرکس نظری داد و بعد از آن پراکنده شدند. من هم نزد استاد آمدم. گفت: «شاگردان در مورد چه بحث می کردند؟» گفتم: «موضوعات گوناگون از جمله لفظ فاراقلیطا و هرکس نظری داشت.» استاد به من گفت: «نظر تو چیست.» گفتم: «من نظر فلان مفسر مسیحی را بهتر قبول دارم.» گفت: «تو مقصر نیستی ولی همه آن نظرات دور از واقعیت هستند چرا که حقیقت آن لفظ فقط نصیب راسخان در علم می شود.» اشتیاق درک این حقیقت مرا از خود بیخود نمود و با التماس فراوان از استادم تفسیر آن لفظ را خواستار شدم. استادم گریه کرد و گفت: «ای فرزند روحانی من، تو پیش من عزیزترین مردم هستی و من چیزی از تو مضایقه ندارم. اگر تفسیر آن لفظ را به تو بگویم از ناحیه مسیحیان جان من و تو در خطر خواهد افتاد مگر آنکه تعهد کنی تا قبل و بعد از زندگی من نام مرا جایی نبری و تفسیر آن را به من نسبت ندهی چون قبل از مرگم جان خودم در خطر خواهد افتاد و بعد از مرگم جان خانواده ام.»

یعنی این ها این قدر متعصب هستند که حتی من بمیرم هم به خانواده ام رحم نمی کنند.

من نیز به اسماء الهی قسم یاد کردم که این خواسته او را برآورده کنم و به شرط او عمل نمایم. گفتم: «ای فرزند روحانی ام! این لفظ اسمی از اسامی مبارک پیامبر مسلمانان است به معنی احمد و محمد.» پس کلید آن اتاقی را که فقط نزد خودش نگاه می داشت به من داد و گفت: «به آنجا برو و فلان صندوق را باز کن و آن دو کتاب موجود در آن را نزد من بیاور.» من نیز چنین کردم آن دو کتاب به خط یونانی و سریانی^۱ و قبل از ظهور پیامبر اسلام و با قلم بر پوست حیوان نوشته شده بود. گفتم: «ای فرزند روحانی ام! بدان که همه عالمان و مفسران و مترجمان مسیحی قبل از ظهور پیامبر اسلام قبول داشته اند که لفظ فاراقلیطا به معنی محمد است. آنان بعد از ظهور آن حضرت تمام کتاب های تفسیر، لغت و ترجمه های مربوط به این مسئله را به خاطر ریاست و رسیدن به اموال و منفعت دنیوی یا به خاطر عناد و حسادت تحریف کرده و بعضی را نیز از بین بردند.»

در قرآن به اهل کتاب، علی الخصوص یهودیان اشاره شده است:

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؟^۲﴾ از آنچه که خدا به آل ابراهیم (علیهم السلام) از طریق شاخه اسماعیل (علیه السلام) داده بود حسودی کردند. ﴿

در ادامه کتاب آمده است:

۱ زبان سریانی، زبانی منبعث از زبان آرامی که در شمال بین النهرین و غرب ایران رواج داشته است.

۲ سوره نساء، آیه ۵۴.

«ای فرزند روحانی! دین مسیحیت به خاطر ظهور محمد منسوخ شد و من و بسیاری از روحانیون مسیحی به این حقیقت پی برده ایم ولی از ابراز آن به خاطر مصالحی که در نظر داریم خودداری می کنیم.» گفتم: «ای پدر روحانی! آیا مرا امر می کنی که داخل دین اسلام شوم؟» گفت: «آری، اگر آخرت و نجات را می خواهی باید دین حق را قبول کنی و من همیشه تو را دعا می کنم.» چون آن دو کتاب و گفته ها و تأییدهای استاد را شنیدم، نور هدایت و محبت محمد به طوری بر من احاطه پیدا کرد که دنیا و هر آنچه که از مظاهر آن است در نظرم کوچک می آمد. در آن لحظه اندیشه ای جز اسلام و پیام آور آن در سر نداشتم. از این رو از محضر استادم خداحافظی کرده در پی حقیقت روان شدم.^۱

اینشان برمی گردد. اول اعلام نمی کند مسلمان شده است. بیشتر تحقیق می کند، مسلمان می شود، بعد شیعه می شود. جالب است بدانید ایشان در سلماس^۲ یک مناظره با مسیحیان انجام می دهد و یازده نفر همان جا شیعه می شوند. چون تسلط بسیار زیادی بر مسیحیت و کتب یهود و عهدین (عهد جدید و عهد قدیم) داشته و در فرقه های خاص مسیحیت هم تسلط پیدا کرده بود، یعنی هم پروتستان^۳، هم کاتولیک ها و هم ارتدکس ها^۴ را می شناخته است. این باعث می شود که یک آدم ذوالفنون^۵ شود. از آنجا به حوزه نجف^۶ می رود. درس حوزوی می خواند، آیت الله می شود. ببینید یک کسی که راهش را پیدا کند چه طور به گاز می رود! سال ۱۳۰۰ قمری هم فوت شده است.

کتاب انجیل متی

این بحثی که بنده خدمت شما عرض می کنم، اسناد و نشانه های زیادی دارد. حالا من دارم یکی دوتای آن را عرض می کنم. باب ۲۱ از انجیل متی^۷ را حتماً بخوانید. ماجرای حضرت عیسی علیه السلام است که وارد شهر می شود و همه او را می پذیرند، لباس هایشان را جلوی الاغش پهن می کنند. بعد حضرت عیسی علیه السلام وارد معبد سلیمان علیه السلام می شود، و می بیند در معبد دارند مثلاً صراف می کنند، کفتر می فروشند، مرغ و خروس می فروشند! با لگد زیر همه این ها می زند. برای ما گفتند

۱ «انیس الاعلام»، جلد ۱، صص ۸ تا ۲۰.

۲ سلماس یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی و مرکز شهرستانی به همین نام است.

۳ یکی از سه فرقه اصلی در آیین مسیحیت که توسط مارتین لوتر، بنیانگذاری شد. پروتستان ها عصمت و ریاست داشتن پاپ به تمام کلیساها را قبول ندارند.

۴ از شاخه های اصلی مسیحیت.

۵ به معنای صاحب فن ها؛ دارای هنرها؛ کسی که چند هنر داشته باشد.

۶ حوزه علمی نجف، مجموعه دست اندرکاران، مدارس دینی و مراجع مذهبی در شهر نجف که آموزش، تربیت و پرورش طلاب علوم دینی شیعه و برخی وظایف دینی دیگر را بر عهده دارند. بسیاری از فقیهان و عالمان بزرگ شیعه در این حوزه پرورش یافته اند و بدین رو، حوزه نجف، در کنار حوزه علمیه قم، از اهمیت بالایی برخوردار است.

۷ انجیل متی یکی از چهار انجیل به تصویب رسیده در عهد جدید و همچنین یکی از سه انجیل همونا است. این انجیل شرحی از زندگی و دعوت عیسی ناصری را بیان می کند.

۸ معبد یا هیکل سلیمان علیه السلام. اولین معبد باستانی یهود در اورشلیم است که یهودیان معتقدند معبد به دستور خدا و توسط سلیمان علیه السلام ساخته شد. این معبد در مکان فعلی مسجدالاقصی قرار دارد و به باور صهیونیست ها به واسطه ساخت مجدد آن، قوم یهود در جهان بر همه اقوام و ادیان غلبه می کند.

که حضرت عیسیٰ (علیه السلام) خیلی نرم و هموژنیزه برخورد می کرده، در حالی که این طور نبوده است. پیامبر الهی به وقتش مظهر خشم الهی است. همه این ها را با لگد بیرون انداخت و کسی جرأت نکرد چیزی بگوید.

پس ایشان را واگذارده از شهر به سوی بیت عنیا^۱ رفت در آن جا شب را به سر برد. بامدادان چون به شهر مراجعت می کرد گرسنه شد. و در کنار راه یک درخت انجیر دید، نزد آن آمد و جز برگ بر آن هیچ چیز نیافت، پس آن را گفت: «از این به بعد تا به ابد بر تو نشود.» ناگاه در ساعت درخت انجیر خشکید.

حواریون این را دیدند. حضرت عیسیٰ (علیه السلام) گرسنه شد، آمد از درخت انجیر میوه بردارد، دید درخت انجیر، میوه ندارد. گفت: «ان شاء الله بعد از این همیشه خشک باشی!» پیامبر برای چه باید یک درخت را نفرین کند؟ ما از پیامبر همچنین چیزی را بعید می دانیم. درخت انجیر در عهد عتیق نماد شجره نبوت است. بعد از برخوردهایی که با او کردند گفت: «این شجره در میان بنی اسرائیل برای همیشه خشکید و دیگر میوه نخواهد داد.»

چون شاگردانش این را دیدند متعجب شده گفتند: «چه بسیار زود درخت انجیر خشک شده است.» عیسیٰ (علیه السلام) در جواب ایشان گفت: «هر آینه به شما می گویم اگر ایمان می داشتید و شک نمی نمودید، نه همین را که به درخت انجیر شد دیدید بلکه هرگاه بدین کوه می گفتید منتقل شده، به دریا افکنده شو، چنین می شد و هر آن چه با ایمان به دعا طلب کنید خواهید یافت.» و چون به هیکل درآمده تعلیم می داد، رؤسای کهنه و مشایخ قوم نزد او آمده گفتند: «به چه قدرت این اعمال را انجام می دهی؟ و کیست این قدرت را به تو داده است؟»

خاخام های قریسی^۲ آمدند گفتند: «کور را شفا می دهی، آن درخت را خشک می کنی. چگونه این کارها را انجام می دهی؟»

عیسی در جواب ایشان گفت: «من نیز از شما سؤالی دارم. اگر آن را به من بگویید من هم جواب شما را می گویم که این اعمال را به چه قدرت می یابم.» (انجیل متی - باب ۲۱ - آیات ۱۷ تا ۲۴)

مانند استدلال هایی که پیامبر ﷺ می آورد. می آمدند می گفتند: «تو چه طور این کارها را انجام می دهی؟» پیامبر ﷺ خیلی جاها جوابشان را می داد و خیلی جاها هم خدا می گفت: «جوابشان را نده. تو هم عمداً این سؤال را بپرس.» می گفتند: «اگر معجزه بیاوری می پذیریم.» خدا می گفت: «از آن ها بپرس اگر مشکل شما معجزه است، آن پیغمبرهایی که معجزه آوردند را برای چه کشتید؟» همه پیامبران الهی مثل هم هستند. ۱۲۴ هزار پیغمبر را یک جا جمع کنید، با هم دعوایشان نمی شود، چون همه آن ها از یک جهت آمدند و یک حرف هم زدند. حضرت عیسیٰ (علیه السلام) گفت: «من هم یک سؤال می پرسم،

۱ بیت عنیا، (نام کنونی: العازیه) دهکده ای کوچک در دامنه شرقی کوه زیتون، نزدیک اورشلیم، در فلسطین قدیم. به روایت کتاب مقدس، الیعازر، مرثا و مریم در آنجا می زیستند.

۲ یکی از فرق یهود است که در زمانه مکابیان پیدا شدند. این فرقه که بخش بزرگی از کاهنان یهود آن را پدید آوردند، در برابر یونانی زدگی ایستادگی کردند و در برابر اجرای بی چون و چرای شریعت موسی (علیه السلام) پافشاری ورزیدند.

اگر شما جواب بدهید آن موقع من هم جواب شما را می‌دهم، وگرنه جوابی نمی‌دهم.» گفتند: «پیرس.» حضرت عیسی (علیه السلام) گفت:

«آیا تعمید^۱ یحیی (علیه السلام) از آسمان بود یا از انسان؟»

یحیی (علیه السلام) تعمیددهنده، همان که سرش را بریدند و در تشت گذاشتند.^۲ چه کارها که نکردند! حضرت یحیی (علیه السلام) آمد مزده دهد که عیسی (علیه السلام) می‌خواهد بیاید.

ایشان با خود تفکر کرده گفتند: «اگر بگوییم از آسمان بود هر آینه می‌گوید پس چرا به وی ایمان نیاوردید و اگر بگوییم نه او انسان بود، از مردم می‌ترسیم زیرا همه یحیی را نبی می‌دانند.» پس در جواب عیسی گفتند: «نمی‌دانیم.» بدیشان گفت: «من هم به شما نمی‌گویم چگونه این کارها را می‌کنم.»

حالا حضرت عیسی (علیه السلام) را این‌گونه بشناسید. درست‌ترش را بشناسید. متأسفانه شبکه‌های مسیحی یک پیغمبر دیگر معرفی می‌کنند. حالا ببینید حضرت عیسی (علیه السلام) چه قدر قشنگ می‌گوید. اینجا حضرت عیسی (علیه السلام) می‌گوید: «بعد از من شجره نبوت در بنی اسرائیل خشکید.» با این مثال همه ماجرا را برایشان می‌گوید. آن درخت انجیر را دیدند، مثال زده است، حالا می‌خواهد این را برایشان اجرا کند. به این دو تا مثالی که حضرت عیسی (علیه السلام) می‌زند دقت کنید. قربانش بروم، عَلَیْهِ آلاَفِ نَحْیَةٍ وَ الثَّنَاءِ، بر او هزاران هزار درود و سلام باد! حضرت ادامه می‌دهد:

«لیکن چه گمان دارید؟ شخصی را دو پسر بود. نزد نخستین آمده، گفت: «ای فرزند، امروز به تاکستان من رفته به کار مشغول شو.» در جواب گفت: «نخواهم رفت.» اما بعد پشیمان گشته رفت و به دومی نیز همچنین گفت. او در جواب گفت: «آقا جان می‌روم.» اما نرفت. کدام‌یک از این دو خواهش پدر را به جا آوردند؟ گفتند: «اولی.» عیسی بدیشان گفت: «هر آینه به شما می‌گویم که باج‌گیران و فاحشه‌ها قبل از شما داخل ملکوت خدا می‌شوند.» (انجیل متی - باب ۲۱ - آیات ۲۵ تا ۳۱)

باج‌گیرها و فاحشه‌هایی بودند که حضرت یحیای تعمیددهنده این‌ها را جمع کرد و آن‌ها را توبه داد. روی سرشان آب توبه ریخت و غسلشان داد، تعمیددهنده یعنی همین. الآن پیروان حضرت یحیی (علیه السلام) با عنوان صُبی‌ها^۳ در ایران زندگی می‌کنند. به آن‌ها مغتسله می‌گویند که از غسل می‌آید. تعدادشان کم است. کنار رود کارون زندگی می‌کنند. این‌ها دائم باید کنار آب باشند. یکی از این دوستان یک مستندی برای ما آورده بود، ماجرای عجیب و غریبی بود. کار خوب و قشنگی نبود

۱ غسل تعمید یکی از آداب مذهب مسیحیان است و مدّعی هستند که پیش از مسیح (علیه السلام) نیز وجود داشته است و این عمل درباره هرکس انجام گیرد سبب پاکی از گناه و وقف نفس در راه خدمت و طاعت خدا می‌باشد.

۲ حاکم فلسطین عاشق دختر برادرش شد و تصمیم گرفت با وی ازدواج کند. یحیی اعلام کرد که این نکاح حرام و باطل و بر خلاف دستور تورات است و شروع به مبارزه کرد. معشوقه، حاکم فلسطین را وادار به قتل یحیی (علیه السلام) کرد. به دستور او حضرت یحیی (علیه السلام) را سر بریدند و سرش را پیش معشوقه‌اش آوردند. «قاموس قرآن»، ج. ۲، ص ۲۱۶ / «تفسیر نمونه»، ج ۱۳، ص ۳۰.
۳ صابئیان (مندانیان) خود را پیرو حضرت یحیی (علیه السلام) می‌شمارند و معتقدند که نخستین کتاب‌های آسمانی بر آدم و نوح و سام و رام و ابراهیم و موسی و یحیی بن زکریا (علیه السلام) نازل شده است. عده‌ای از آن‌ها، حضرت آدم (علیه السلام) را اولین پیامبر و حضرت یحیی (علیه السلام) را آخرین پیامبر می‌دانند.

واقعاً، اما حالا می‌گویم تا بدانید. عروسی آن‌ها کنار رودخانه است. خیلی از کارهایشان با آب است. این‌ها عقدشان را که می‌خوانند، بعد باید زن و شوهر دست همدیگر را می‌گرفتند کامل می‌رفتند زیر آب و بالا می‌آمدند. اگر در این بین یک نفر از یک دین دیگر، حالا خصوصاً طبق قانون آن‌ها یک مسلمان، یک صلواتی بفرستد یا یک چیزی بگوید، این‌ها عقدشان به هم می‌خورد. بعد چند نفر از این بچه‌های عرب خوزستان آمده بودند آن طرف کارون نشسته بودند. آن‌ها تا با سر به زیر آب می‌رفتند، این‌ها صلوات می‌فرستادند و عقد این‌ها خراب می‌شد. فکر کنم بیست‌بیست و پنج بار این‌ها را زیر آب کردند! در آخر این صبی‌ها از رود کارون رد شدند و با چوب دنبال آن‌ها افتادند که این‌ها بتوانند عروسی‌شان را بگیرند! یحیی کلمه‌الله بود. کلمه‌ای که حضرت زکریا (علیه السلام) او را شبیه به حسین بن علی (علیه السلام) خواست و بدین سبب سر از تنش بریدند، در تشت طلا گذاشتند و ماجرای عجیبی دارد. الآن رأس الیحیی (علیه السلام) و رأس الحسین (علیه السلام) در مسجد اموی^۲ یک‌جاست. کسانی که می‌روند سوریه برای زیارت، حتماً بروند ببینند.

«زان رو که یحیی از راه عدالت نزد شما آمد و بدو ایمان نیاوردید اما باجگیران و فاحشه‌ها به او ایمان آوردند.»

یعنی گفت: «شما فریسی‌ها به یحیی (علیه السلام) ایمان نیاوردید، سرش را بریدید، اما فاحشه‌ها و باج‌گیرها به او ایمان آوردند، پس آن‌ها هم از شما بهتر هستند.» برای آن‌ها استدلال آورد. یک سؤال پرسید، مسئله را جا انداخت و بعد هم آچمزشان کرد. یک مثال دیگر هم می‌زند.

«و شما چون دیدید آخر هم پشیمان نشدید و بدو ایمان نیاوردید. و مثلی دیگر بشنوید: صاحب‌خانه‌ای بود که تاکستانی عَرس - کاشتن - نموده بود و در آن برجی بنا نمود پس آن را به دهقانان سپرده عازم سفر شد و چون موسم میوه نزدیک شد، غلامان خود را نزد دهقانان فرستاد تا میوه‌های او را بردارند.»

مانند مساقات^۳ بوده است. باغش را داد به کسی کار کند، بعد نوکرهایش را فرستاد گفت: «بروید این را بگیرید بیاورید.»

«اما دهقانان غلامانش را گرفته، بعضی را زدند و بعضی را کشتند و بعضی را سنگسار نمودند. باز غلامان دیگر بیشتر از اولین به سمت ایشان فرستاد. ایشان را نیز به همان طور سلوک نمودند. بالاخره پسر خود را نزد ایشان فرستاد. گفت: «پسر مرا حرمت خواهند داشت.»»

گفت: «این‌ها پسر مرا دیگر نمی‌زنند.» چه قدر پررو آمدند اینجا صاحب شدند و گرفتند!

۱ مقام رأس الحُسین محل دفن یا نگهداری سر امام حسین (علیه السلام).

۲ مسجد جامع اُموی مسجدی قدیمی است که به دستور ولید بن عبد الملک (متوفای ۹۶ق) از خلفای اُموی در دمشق (پایتخت سوریه) ساخته شد. مقام حضرت خضر، هود و یحیی (علیهم السلام)، مقام امام سجاد (علیه السلام) و رأس الحسین (علیه السلام) در این مسجد مشهورند. خطبه امام سجاد (علیه السلام) که روشن‌گر حادثه کربلا بود نیز در این مسجد خوانده شد.

۳ به معنای آبدادن و سیراب کردن.

«اما دهقانان چون پسر را دیدند با خود گفتند: «این وارث است بیاید او را بکشیم و میراثش را ببریم کار را یکسره کنیم.» آن گاه او را گرفته بیرون تاکستان افکنده و گشتند. پس چون مالک تاکستان آید با آن دهقانان چه خواهد کرد؟» آن ها گفتند: «البته آن بدکاران را به سختی هلاک خواهد کرد و باغ را به باغبان دیگری خواهد سپرد که میوه هایش را در موسم بدو بدهد.» عیسی بدیشان گفت: «مگر در کتب هرگز نخواندید اینکه سنگی را که معمارانش رد نمودند همان سر زاویه شد این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است.»

می دانید منظورش از این مثال چه بود؟ یعنی خدا صاحب همین دنیا بود. پیغمبرهایش را فرستاد، بعضی از آن ها را سنگسار کردید، بعضی از آن ها را کشتید، بعضی از آن ها را زدید، آخرین آن ها هم که برای بنی اسرائیل است، من هستم. پیش بینی کرد همین بالا را سر من هم خواهید آورد. نتیجه اش چیست؟ این درخت خشک خواهد شد.

«از این جهت شما را می گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده به امتی که میوه اش را بیاورند، عطا خواهد شد.»

یعنی گفت: «از شما می گیرد به امتی که خودش میوه را سر وقت بیاورد تحویل می دهد.» دیگر بنی اسرائیل تمام شدند. ببینید این ها اشاره است.

«و هر که بر آن سنگ افتد منکسر شود و اگر آن بر کسی افتد نرمش سازد.» و چون رؤسای کهنه و فریسیان مثال هایش را شنیدند دریافتند که درباره ایشان سخن می گوید و چون خواستند او را گرفتار کنند از مردم ترسیدند زیرا که او را نبی می دانستند. (انجیل متی - باب ۲۱ - آیات ۳۲ تا ۴۶)

رسماً به این مسئله اشاره کرد که دیگر از شما گرفته شده است و به امتی دیگر داده خواهد شد. به بنی اسماعیل داده خواهد شد. باز در قرآن می گوید:

﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ^۱

به عرب ها هم گفت: «اگر شما هم گوش نکنید، از شما هم می گیرد و به قومی دیگر می دهد.» که ظاهراً این اتفاق افتاده است. وقتی حضرت یحیی (علیه السلام) پیش یهودیان آمد، ببینید چه اتفاقی افتاد.

۱ سوره مائده، آیه ۵۴: «هرکس از شما از دینش برگردد، خدا به زودی گروهی را می آورد...»

کتاب انجیل یوحنا

و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لایوان را فرستادند تا از او سؤال کنند: «تو کیستی؟» که معترف شد و انکار ننمود بلکه اقرار کرد که «من مسیح نیستم.» آن گاه از او سؤال کردند: «پس چه کسی هستی؟»

گفتند: «تو الان می گویی پیغمبر هستم دیگر؟» گفت: «بله.» گفتند: «به ما گفته اند آن پیغمبری که می خواهد بیاید مسیح است. تو مسیح هستی؟» این هم دروغ گو نبود، گفت: «نه من مسیح نیستم.»

«آیا تو الیاس^۱ هستی؟» گفت: «نه.»

چون همان طور که می دانید، این ها اعتقاد دارند که حضرت الیاس (علیه السلام) زنده است.

پرسیدند: «آیا تو آن نبی هستی؟» جواب داد: «نیستم.»

یک نبی ای را دارند می پرسند که نه الیاس است و نه مسیح. می گویند: «پس تو چه کسی هستی؟ در گزاره های پیش گویی ما گفته شده فقط این دو تا پیغمبر می آیند، یا مسیح (علیه السلام) است، یا آن نبی است، یا هم الیاس بودی که از قبل زنده بودی و هنوز هم هستی.»

آن گاه بدو گفتند: «پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستادند [خاخام های بزرگ در اورشلیم] جواب ببریم. درباره خود چه می گویی؟» گفت: «من صدای نداکننده در بیابانم که راه خداوند را راست کنید چنانکه اشعیای نبی گفت و فرستادگان از فریسیان بودند.» پس از او سؤال کرده گفتند: «اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی پس برای چه تعمید می دهی؟» (انجیل یوحنا- باب ۱- آیات ۱۹ تا ۲۵)

پس در همین اناجیل اشاره شده که منتظر پیغمبر دیگری هم بودند. باز در انجیل یوحنا آمده است:

و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده ندا کرد و گفت: «هر که تشنه باشد نزد من بیاید و بنوشد کسی که به من ایمان آورد چنان که کتاب می گوید از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.» اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود. آن گاه بسیاری از آن گروه چون این کلام را شنیدند گفتند: «در حقیقت این شخص همان نبی است» و بعضی گفتند: «خیر، او مسیح است» و بعضی گفتند: «مگر مسیح از جلیل^۲ ظهور خواهد کرد؟» (انجیل یوحنا- باب ۷- آیه ۳۷ تا ۴۱)

۱ حضرت الیاس (علیه السلام). یکی از انبیاء بنی اسرائیل بعد از زمان یوشع (علیه السلام) می باشد که بر اهل «بک» لبنان مبعوث شد.

۲ سرزمینی در شمال فلسطین اشغالی است. این منطقه در قسمت عمده ای از استان های فلسطین اشغالی، به نام های استان شمال و استان حیفا واقع شده است.

یعنی بعضی از آن‌ها خود حضرت مسیح (علیه السلام) را با آقا رسول الله ﷺ اشتباه گرفتند. بینشان اختلاف افتاد که آیا آن نبی است؟ یعنی آن همه اسم بوده و حذف شده است، اما ضمیرها هنوز مانده و "آن نبی" به یک کسی غیر از حضرت عیسی (علیه السلام) اشاره می‌کند. منتظر بودند و می‌دانستند. وقتی آقا رسول الله ﷺ با عمویش به شام^۱ سفر کرد، بحیرای راهب^۲ تا پیامبر ﷺ را دید شناخت. بسیار دقیق چهره پیامبر ﷺ در کتاب‌ها ترسیم شده بود. او را چطور شناخت؟ بحیرا کنار ابوطالب^۳ نشست و به او گفت: «با تو چه نسبتی دارد؟» گفت: «فرزندم است.» بحیرا گفت: «فرزند تو نیست. پدر او مرده است.» گفت: «درست گفتم، این بچه برادرم است. تو از کجا فهمیدی؟» برایش کتاب باز کرد و گفت: «تمام نشانه‌های اینجاست. اولاً اینکه تنها کسی بود که در کاروان شما ابر بالای سرش می‌رفت که آفتاب روی سرش نیفتد.» یک تکه ابر بالای سر آقا رسول الله ﷺ همین‌طور می‌رفت. او دردانه بشریت بود! فکر کردید کم کسی است؟ بعد گفت: «من می‌خواهم مهر نبوتش را ببینم.» به او اجازه دادند. دید و آن محل را بوسید و شمشیری عطا کرد. گفت: «این شمشیر را داشته باشید. من شک ندارم که او را خواهند کشت.» این‌ها کسانی هستند که نمی‌خواهند ببینند.^۴ این‌ها حسود هستند، نمی‌توانند ببینند آن نور الهی از بنی اسماعیل و از فاران ظهور کند.

کتاب انجیل برنابا

می‌خواهم به چهارپنج آیه از انجیل برنابا^۵ اشاره کنم. کلی حرف و حدیث درمورد این انجیل به‌وجود آوردند. انجیل برنابا را خود غربی‌ها کشف کردند و خود آن‌ها هم ترجمه کردند، اما الآن می‌گویند: «مسلمان‌ها این را نوشتند!» چون انجیلی است که در آن مصلوب‌شدن حضرت عیسی (علیه السلام) را کاملاً رد کرده و گفت جزو مزخرفات است. حضرت رسول ﷺ را به اسم اصلی «محمد» آورده است. پسر خدا بودن حضرت عیسی (علیه السلام) را کاملاً رد کرده و گفته است: «عبدالله است.» بسیار شبیه آیه قرآن^۶ است. البته بعضی جاها هم با قرآن اختلاف دارد. مثلاً می‌گوید: «وقتی مریم (علیها السلام) عیسی (علیه السلام) را به دنیا آورد، درد زایمان نداشت»^۷ اما قرآن می‌گوید: «درد زایمان داشت.»^۸ اختلافات بسیار کم است.

۱ شام یا شامات، نام پیشین سوریه کنونی؛ شام در گذشته به منطقه وسیع‌تری گفته می‌شده که شامل لبنان، اردن و بخشی از فلسطین می‌شده است.

۲ بحیرا سرجیوس راهب مسیحی بود که در سال ۵۸۲ م، پیامبر اسلام ﷺ را در سن کودکی ملاقات کرده بود. وی از جمله مؤمنان اهل کتاب بود و چند آیه از قرآن در شأن ایشان نازل شده است.

۳ عبد مناف بن عبد المطلب بن هاشم معروف به ابوطالب، پدر امام علی (علیه السلام)، عموی پیامبر اسلام ﷺ و از بزرگان مکه و طایفه بنی‌هاشم است.

۴ عموم مورخین و اهل حدیث از دانشمندان شیعه و اهل سنت با اندک اختلافی داستان «سفر پیامبر اکرم ﷺ به شام و ملاقات با بحیرای راهب» را نقل کرده‌اند، مانند شیخ صدوق (ره) در اکمال الدین و ابن شهر آشوب در مناقب و ابن هشام در سیره و طبری و یعقوبی و ابن سعد نیز در کتاب‌های خود آن را نقل کرده‌اند. / ر.ک: «تاریخ طبری»، ج ۳، ص ۸۳۰ / «سیره ابن هشام»، ج ۱، ص ۱۹۴ با تلخیص.

۵ Barnabas.

۶ اشاره به سوره مریم، آیات ۲۹ و ۳۰.

۷ اشاره به انجیل برنابا، فصل سوم، شماره ۱۰: «آنگاه زایید پسر خود را بدون رنجی»

۸ اشاره به سوره مریم، آیه ۲۳.

برنابا یکی از حواریون (یاران) حضرت عیسی (علیه السلام) بود. و جالب است بدانید در این کتاب، پولس^۱ شدیداً مورد حمله قرار گرفته است. حتی همین الآن در کتاب‌های عهد جدید داریم که دعوائی بین پولس و برنابا بوده است.^۲ او پولس را شناخته بود که نفوذی جریان یهود است. شائول که اسمش را به پولس تغییر داد، و اصلاً مسیحیت را پولس ساخته است. برنابا در قرن اول و دوم میلادی به وفور پیدا می‌شده است. به‌خاطر اینکه تفکر پولسی را قبول نداشت آرام‌آرام کم‌رنگ شد. چون تفکر پولسی باعث می‌شد این کشیش‌ها و پاپ^۳ قدرت پیدا کنند. و دیگر اینکه تفکر پولسی باعث می‌شد افراد بسیاری به دین حضرت مسیح (علیه السلام) روی بیاورند. چون خیلی ساده گرفته بود. فقط می‌گفت: «دلت پاک باشد.» فکر کردید برای چه غربی‌ها مسیحی شدند؟ از خدایشان بود. یکی آمده بود که می‌گفت: «دلت پاک باشد، هر کاری که می‌خواهی انجام بده. بعدش هم می‌روی پولش را حساب می‌کنی و گناه‌ها را می‌بخشد!» از حرف‌های دیگری که می‌زد این بود: «حضرت عیسی به سبب همه ما عذاب دیده است. ما همه‌مان به بهشت خواهیم رفت.» گنه کرد در بلخ^۴ آهنگری/ به شوشتر^۵ زدند گردن مسگری.^۶ تمام این‌ها را انجیل برنابا رد کرده است. این مبانی باعث قدرت گرفتن کلیسای اروپایی شد. پادشاهان اروپایی که قدرت گرفتند، از قبل پاپ بود. چون مردم مذهبی بودند، پاپ باید این‌ها را تأیید می‌کرد تا پادشاه شوند. این‌ها یک همچنین ویژگی‌هایی داشتند.

این انجیل را از بین بردند. اما کار خدا این است که در قرن شانزده میلادی در یک کشف باستان‌شناسی پیدا شد، بررسی کردند خودشان ترجمه کردند، الآن می‌گویند: «مسلمان‌ها این را نوشتند.» اگر مسلمان‌ها این را نوشتند چرا قبل از این در یک‌جا به این اشاره نکردند؟ اگر مسلمان‌ها نوشتند، مسلمان‌ها باید این را پیدا می‌کردند. چرا شماها پیدا کردید؟ اگر مسلمان‌ها نوشتند باید مسلمان‌ها ترجمه می‌کردند، چرا شما ترجمه کردید؟ شماها استاد این مسائل هستید که می‌روید یک چیز صدساله را ۳ هزارساله می‌کنید. چهارصدپانصد سال قبل از این، مسلمان‌ها تکنولوژی‌ای در اختیار داشتند که بتوانند یک کتابی را که دقیقاً شما داشتید، یک‌جوری قدیمی نشان دهند که مال قرن اول هجری بوده است؟! من اسنادی را برای شما مثال می‌زنم. فرمان پاپ گلاسیوس اول^۷ درمورد نهی از مطالعه انجیل برنابا: «هیچ‌کس نباید انجیل برنابا را بخواند.» پاپ گلاسیوس در سال ۴۹۲ میلادی یعنی ۱۱۸ سال قبل از بعثت^۸ پیامبر (ص) ، پاپ بود. این فرد ۱۲۰ سال قبل از

۱ پولس یهودی جزء افرادی بود که به آزار و کشتار مسیحیان می‌پرداخت. پس از گرویدن به آیین مسیح، عیسی (علیه السلام) را پسر خدا خواند و نقش مهمی در گسترش مسیحیت داشت. آرای ابداعی او عقاید رایج مسیحی را پدید آورد و آیین مسیحیت را به صورت دینی مستقل از آیین یهود مطرح ساخت، به گونه‌ای که وی را پس از مسیح (علیه السلام)، دومین مؤسس مسیحیت لقب داده‌اند.

۲ اشاره به عهد جدید، اعمال رسولان، باب ۱۵، آیه ۳۹.

۳ پاپ یا پاپا (به لاتین: Papa؛ به معنی پدر)، اُسقف رم و رهبر کلیسای جهانی کاتولیک است.

۴ شهر بلخ یا شهر باختر، از شهرهای مهم ایران باستان و از قدیمی‌ترین شهرهای افغانستان است.

۵ از شهرهای جنوبی ایران در دامنه زاگرس در استان خوزستان.

۶ این ضرب‌المثل هنگامی به کار می‌رود که تاوان گناه و خطای کسی را دیگری پس بدهد.

۷ پاپ ژلزیوس یکم، یکی از پاپ‌های کلیسای کاتولیک رم بود که در شمال آفریقا به دنیا آمد و از ۴۹۲ تا ۴۹۶ پاپ بود.

۸ بعثت پیامبر (ص) یا برانگیخته شدن آن حضرت به مقام رسالت، سرآغاز دین اسلام بود. این اتفاق در ۴۰ سالگی پیامبر (ص) و طبق دیدگاه مشهور شیعه امامیه، این رویداد در روز ۲۷ رجب، ۱۳ سال قبل از هجرت پیامبر (ص) روی داده است.

پیغمبر ﷺ زندگی می‌کرد. دلیل این فرمانش، تضادهایی بود که با نگاه پولسی وجود داشت. یک قرن قبل از اسلام اشاره شده است. پطرس بستانی^۱ از دانشمندان مسیحی در "دایره‌المعارف کبیر"^۲ مطالب جالبی را در مورد انجیل برنابا گفته است که من عیناً برای شما از رو می‌خوانم، چون نمی‌خواهم در کار علمی کسی یک کلمه این طرف و آن طرف کنم:

نام اصلی برنابا، ژوزف بود. کلمه برنابا سریانی و به معنی "ابن النبوة" یا "ابن الانذار" یا "ابن التعزية" (پسر نبوت) است. برنابا نخستین کسی از میان حواریون است که آیین یهودیت را ترک کرد و به مسیح ایمان آورد. گفته می‌شود کتاب رساله برنابای، قدیس برنابا نام دارد. این رساله در قرون اول مسیحی معروف بوده و مکرراً مورد استفاده قرار می‌گرفته است. از جمله کسانی که از آن اقتباس نموده‌اند، اِکلیمنُضس اسکندری و اوريجانس هستند. اوسایوس^۳ و ایرونیموس^۴ نیز از آن یاد کرده‌اند.

دارد از بعضی افراد گُهَن از خودشان نام می‌برد که به انجیل برنابا در کتابشان اشاره کردند.

انجیل برنابا در طی قرون متمادی فراموش شده و نسخه‌های آن از دسترس مردم خارج شد تا آنکه در قرن ۱۷ میلادی سِرْمِنْد یونانی آن را در رساله خطی از رسائل بولیکبوس یافت و در همین قرن هوغومیزدوس نسخه لاتینی^۵ آن را در دیر^۶ «کورفی» به دست آورد که در سال ۱۶۴۵ میلادی در پاریس چاپ شد.

خود این‌ها در پاریس چاپ کردند.

در سال ۱۶۹۴ میلادی اُوشه رئیس اُسُف‌ها^۷ نیز نسخه‌ای از این انجیل به دست آورده به رساله اِغناطیوس افزود ولی بر اثر یک آتش‌سوزی در آکسفورد^۸ کتابخانه‌ها آتش گرفته و قسمت اندکی از این نسخه باقی ماند. نسخه یونانی و لاتینی انجیل برنابا مکرراً چاپ شده و ویک آن را به انگلیسی و شخص دیگری آن را به آلمانی ترجمه کرده. ناگفته نماند که تمامی نسخ ذکر شده کپی نسخه سِرْمِنْد یونانی است که ناقص و در چهار

۱ پطرس (پطرس) بن بولس بستانی از خاندان بستانی اهل لبنان که در ادبیات عرب مرتباً بلند داشته‌اند. دستاوردهای مهم پطرس بستانی، گذشته از تأسیس مدرسه و انتشار مجله‌هایش، عبارت بود از: سهم او در ترجمه کتاب مقدس، تدوین فرهنگ بزرگ لغت به نام مُحیط المحيط که در ۱۲۸۷/ش ۱۸۷۰م آماده انتشار شد، و دایره‌المعارف که نخستین جلد آن در ۱۲۹۳/ش ۱۸۷۶م به چاپ رسید.

۲ دائرةالمعارفی که توسط پطرس بستانی نوشته شده و شامل تمامی علوم متنوع به ترتیب حروف هجی است.

۳ اوسیبوس قیصریه، کاتب امین قسطنطین اولین امپراطور مسیحی روم، نخستین تاریخ‌نگار نصارا و از علمای نصارا بود. کتاب معروف تاریخ کلیسا اثر اوست.

۴ ژروم (جروم) قدیس یا یزیموس (ایرونیموس) قدیس (۳۴۷-۴۲۰م)، کشیش ایلیریایی بود. وی بیشتر به خاطر ترجمه کتاب مقدس از عبری به لاتین (کتابی که اکنون به وُلگاتا مشهور است) مورد توجه واقع شده است.

۵ از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی که تا قرون اخیر زبان علمی و کلیسایی در کشورهای اروپای غربی بود.

۶ صومعه، محل عبادت راهبان مسیحی.

۷ یکی از پنج مقام کلیسای کاتولیک که بالاتر از کشیش و پایین‌تر از کاردینال است. اسقف به امور حکومتی و نظارتی گماشته می‌شود.

۸ آکسفورد، یکی از شهرهای انگلستان و مرکز شهرستان آکسفوردشایر در جنوب شرقی این کشور است. دانشگاه مشهور آکسفورد در این شهر قرار دارد.

فصل است ولی در سال ۱۸۵۹ میلادی تیشندرف^۱ نسخه یونانی کاملی را که در ۲۱ فصل بود از جبل سینا به دست آورد.

این را در اکتشافات پیدا کردند، چیزی نبوده که همین الان ساخته شده باشد.

بهترین نسخه این رساله به زبان لاتینی قدیمی با حواشی و تفسیر است که به هِلِجِنِفِلْد مشهور است. این نسخه در ۱۸۶۵ میلادی در لیپسیک و در سال ۱۸۶۴ میلادی در ژورنال آمریکایی چاپ شد. تعداد زیادی از دانشمندان معتقدند انجیل برنابا را قدیس برنابا رفیق پولس نوشت و رأی متأخرین این است که این نسبت صحیح نیست و از جمله دلایل منکرین این است که در این رساله از خرابی اورشلیم سخن به میان آمده، بنابراین قطعاً بعد از سال ۷۰ میلادی نوشته شده است. زیرا برنابا قبل از خرابی اورشلیم یعنی سال ۶۴ وفات کرده. بهتر است که بگوییم این نسخه در کنیسه اسکندریه^۲ در قرون اول مسیحیت پیدا شده و احدی قائل نشده که بعد از سال ۱۲۰ میلادی نوشته شده است.

یعنی شکی وجود ندارد که این نسخه انجیل حداقل مال ۱۲۰ بعد از میلاد است. قدیم‌ها کتاب چاپی نبوده است، الان فرض کنید من یک قرآن نوشتم، شما از من می‌گرفتی، یکی از روی آن می‌نوشتی و آن را برای خودت می‌بردی. چیز نایابی بود، هرکسی آن را نداشت. می‌دانید گوتنبرگ^۳ دستگاه چاپ را چگونه اختراع کرد؟ این بچه بازیگوشی بود، مادرش یک بار تابستان می‌خواست او را تنبیه کند، گفت: «ده بار از روی انجیل بنویس.» این هم گفت چه کاری است؟ کمی مغزش را به کار انداخت و ماشین چاپ ساخت. رفت صد تا چاپ کرد و به مادرش داد، گفت: «فعلاً این‌ها را داشته باش تا بعداً!» حالا آن‌ها می‌گرفتند می‌نوشتند. در این نسخه یک مقدار تغییرات در انجیل برنابا به وجود آمده است که با اسلام سازگاری ندارد، اما خیلی جزئی است. در اصول هیچ شکی نیست. جالب است بدانید در انجیل مَرْقُس^۴ اشاره به انجیل عیسی بن مریم علیه السلام هست. یعنی یک انجیل اصلی به نام انجیل عیسی بن مریم علیه السلام بوده که کلاً از دست رفته و نمی‌دانیم کجاست. چه بسا این فریسی‌ها از بین برده‌اند. اما انجیل برنابا را که به زور حذف کردند، به لطف خدا پیدا شد. خداست دیگر، اگر بخواهد کاری را انجام دهد چه کسی می‌خواهد جلوی او را بگیرد؟

۱ دکتر تیشندرف، دانشمند آلمانی که تمام عمر خود را صرف تجسس و تحصیل نسخه‌های قدیمی کتب مقدسه قدیمی نمود. وی در دیر واقع در دامنه کوه سینا یکی از نسخ قدیمی عهد عتیق را یافت که به آن روز ندیده بود.

۲ دومین شهر بزرگ مصر در امتداد دریای مدیترانه، مشهور به عروس مدیترانه که توسط اسکندر و در زمان کشورگشایی‌های او ساخته شده است. فانوس دریایی واقع در جزیره فرعون‌ها، از عجایب هفت‌گانه جهان، در آن قرار دارد.

۳ Johannes Gutenberg: یوهانس گوتنبرگ (۱۳۹۸-۳ فوریه ۱۴۶۸) زرگر آلمانی. از وی به عنوان اولین مخترع ماشین چاپ و کلاً صنعت چاپ در اروپا یاد می‌شود.

۴ اعتقاد رایج بین مسیحیان این است که انجیل مرقس قدیمی‌ترین انجیل است و تألیف آن به حدود سال ۶۰ برمی‌گردد. مرقس یکی از شاگردان دوازده‌گانه عیسی علیه السلام نبود و عهد جدید، وی را از دستیاران پولس و پطرس قلمداد می‌کند.

این انجیل همان طور که مستر لونسدال^۱ و مادام لورا راگ اعتراف کردند در حالی در اروپا پیدا شد که در میان مسلمانان هرگز نام و اثری از آن نبود. یعنی هر آدم اندیشمندی که نور حقیقت به دلش تابیده باشد، می تواند این را قبول کند.

جرم انجیل برنابا مخالفت شدید آن با تعالیم پولس است. این انجیل برخلاف سایر اناجیل موضوع تصلیب مسیح را شدیداً انکار و آن را زشت ترین نسبت ناروا به وی می داند. عنوان تثلیث^۲ را از میان می برد. و توحید حقیقی الهی را اثبات می کند. برخلاف پولس که شریعت عمل را نسخ کرد. تنها راه سعادت را داشتن توأمان عقیده و عمل پاک می داند. یعنی برنابا می گوید: «اگر دلت پاک باشد، باید عملت هم پاک باشد. نمی شود که یک طرف را بچسبی و آن یکی را رها کنی.» وی با پولس که نجات امت را تنها مرهون محبت مسیح و اعتقاد به تثلیث می دانست و به نام دین، مسیحیان را در انجام هرگونه عمل منافی عفت آزاد گذاشته بود، مخالفت شدید پیدا کرد. پس از اسلام جرم دیگری نیز بر آن افزوده شد و آن بشارت صریح و مکرر آن در مورد طلوع نور قدسی محمدی است. همه این ها سبب شد تا استفاده از انجیل در بین مسیحیان متروک شود.

پس دلیل اینکه آن اوایل این را کنار گذاشتند، اختلاف نظرهایی بود که با پولس داشت و حقیقت را می گفت. بعد از اینکه دیدند نام پیامبر ﷺ را به وضوح گفته است، دیگر کلاً آن را کنار گذاشتند. اما پیدا شد. من بخش هایی از انجیل برنابا را برای شما می خوانم. حالا پس فردا نگوئید: «فقط به انجیل برنابا استناد کرد.» اولاً من ابتدا انجیل برنابا را اثبات کردم، بعد دارم به آن استناد می کنم. دوماً قبل از انجیل برنابا به تمام کتاب هایی که همین الان دارید، استناد کردم. در انجیل برنابا آمده است:

و چون آدم برخاست بر قدم های خود یعنی سرپا شد، دید در هوا نوشته ای است، مثل آفتاب می درخشد که در مقابل عین او بود. نوشته بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، پس آن وقت آدم دهان خود بگشود و گفت: «شکر می کنم تو را ای پروردگار خدای من، زیرا که تو تفضل نمودی پس آفریدی مرا ولیکن زاری می کنم به سوی تو اینکه مرا آگاه سازی که معنای این کلمات چیست؟» پس خدا جواب داد: «مرحبا به تو ای بنده من آدم و به درستی که می گویم به تو که تو اول انسانی که آفریده ام او را و آن که تو دیدی او را جز این نیست که او پسر تو است. آن که زود است بیاید به جهان بعد از این به سال های فراوان.»

یعنی او پسر توست، از تو قرار است به دنیا بیاید. اما آقا رسول الله ﷺ را در دنیای قبل مَلُکِی زودتر از همه آفریده بود.

«و او زود است بشود فرستاده من. آن که از برای او آفریدم همه چیز را. آنکه چون بیاید، زود است نور بخشد جهان را.»

۱ دانشمند انگلیسی که به همراه زوجه فاضله اش مادام لورا راگ، انجیل برنابا را از زبان ایتالیایی به انگلیسی ترجمه کردند.

۲ تثلیث یا سه گانه باوری یکی از اعتقادات بنیادین مسیحیت است که براساس آن خدای یگانه در سه شخص خدای پدر، خدای پسر (که در عیسی مسیح عليه السلام تجسم پیدا کرد) و خدای روح القدس می باشند. این سه، ذات یکسانی دارند ولی از هم متمایز می باشند.

یعنی می گوید: «اصلاً به خاطر گل روی او بود که همه چیز را آفریدم.» او رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ^۱ است. فلاسفه می گویند: «از واحد جز واحد صادر نمی شود.» خدا وسیله ای برای کثرت آفرید و او آقا رسول الله ﷺ بود. رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، از سر رحمتش تمام جهان را خلق کرد. این را انجیل برنابایی می گوید که قرن اول هجری بوده است. قبل از اینکه حتی پیغمبر ﷺ بخواند به دنیا بیاید.

آن که روان او نهاده شده بود در جمال آسمانی، ۶۰ هزار سال پیش از آن که بیافرینم چیزی را. (انجیل برنابا- باب ۳۹- آیات ۱۴ تا ۲۲)

۶۰ هزار سال قبل از اینکه چیزی را بیافرینم، روح او را آفریده بودم. در جای دیگری از این انجیل می خوانیم:

نام مسیا^۲ عجیب است زیرا که خداوند وقتی روان او را آفرید و در ملکوت اعلی^۳ او را گذاشت خود او را نام نهاد. خدا فرمود: «صبر کن ای محمد، زیرا که برای تو می خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلائق را که می بخشم آن ها را به تو حتی اینکه هر که تو را مبارک می شمارد مبارک شود و هر که تو را لعنت کند ملعون باشد. وقتی تو را به سوی جهان می فرستم پیغمبر خود قرار می دهم، به جهت خلاصی و کلمه تو صادق می شود.» (انجیل برنابا- باب ۹۷- آیات ۱۵ تا ۱۷)

حضرت عیسی علیه السلام می گوید: «و به تحقیق پیامبران همه آمدند مگر رسول الله. آن که زود است بعد از من بیاید، زیرا خدا می خواهد که من راه او را مهیا سازم.» (انجیل برنابا- باب ۳۶- آیه ۶)

انجیل به آرامی یعنی بشارت. الآن به یونانی هم همین بشارت شده است. حضرت عیسی علیه السلام فقط آمده است بشارت دهد.

کاهن در جواب مسیح گفت: «آیا پیامبران دیگر بعد از آمدن پیغمبر خدا خواهند آمد؟»

به حضرت عیسی علیه السلام یسوع ناصری می گفتند. در عهد جدید زیاد است.

پس یسوع در جواب فرمود: «بعد از او پیامبران راستگو که از جانب خدا فرستاده شده باشند نخواهد آمد. ولیکن جمیع بسیاری از پیامبران دروغ گو خواهند آمد و همین است که مرا غمگین می سازد.» (انجیل برنابا- باب ۹۷- آیات ۷ تا ۹)

۱ یکی از اوصاف مهم نبی مکرم اسلام ﷺ آن است که رسول رحمت الهی است. سورة انبیا، آیه ۱۰۷: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»

۲ در انجیل برنابا «مسیا» ظاهراً ترجمه واژه عبری «ماشیح» به معنی «شخصی از نسل اسماعیل علیه السلام» است که این نسبت را به محمد بن عبدالله ﷺ یا حضرت مهدی علیه السلام می دهند.

۳ ملکوت اعلی با نگاهی حداکثری کلیه عالم های غیب و مجردات محض است که بدان ملکوت عماله نیز می گویند.

پیامبران دروغین امثال علی محمد باب^۱ و بهاء الله^۲ هستند. بهاء الله گفت: «من پیغمبر هستم!» بعد دید اوضاعش خوب است و می چسبد، گفت: «خدا هستم!» این بهایی ها^۳ طایفه او هستند.

آن وقت یسوع فرمود: «وقتی که رسول الله بیاید، پس، از نسل که خواهد بود؟» شاگردان جواب دادند: «از داوود.» (انجیل برنابا- باب ۴۳- آیه ۲۵)

تصدیق کنید مرا زیرا به شما راست می گویم. به درستی که عهد بسته شده است با اسماعیل نه با اسحاق. (انجیل برنابا- باب ۴۳- آیه ۳۱)

در انجیل برنابا حضرت عیسی (علیه السلام) می گوید: «آن عهد الهی با اسماعیل بسته شده است.»

نکته جالب دیگری که در مورد انجیل برنابا وجود دارد این است که دو تا مشیاح^۴ در آن وجود دارند. حضرت مسیح (علیه السلام) می گوید: «من آن مشیاح اصلی نیستم. من و او با هم می آییم. آن، یکی دیگر است.» که باز به آقا صاحب الزمان (علیه السلام) اشاره شده بود. نمونه این آیات، فراوان است.

کتاب غزل غزل های سلیمان

در کتاب "غزل غزل های سلیمان" آمده است:

دهان او بسیار شیرین و تمام او مرغوب ترین است. این است محبوب من و این است یار من ای دختران اورشلیم. (غزل غزل های سلیمان^۵ - باب ۵- آیه ۱۶)

برخی گفتند: «حضرت سلیمان (علیه السلام) دارد این حرف ها را می زند.» برخی هم گفتند: «همسر حضرت سلیمان (علیه السلام) درباره سلیمان (علیه السلام) دارد این ها را می گوید.» اما برای اینکه بدانیم این درباره چه کسی است، باید برویم عبری اش را بخوانیم.

«His mouth sweet؛ دهانش شیرین است.» اینجا یک کلمه ای وجود دارد که تلفظ عبری اش **ماحمدیم** است. این نامردها آمدند کلمه محمد را ترجمه کردند. محمد یعنی ستوده، به انگلیسی ترجمه کردند Desirable یعنی دلپذیر، خوب. یعنی اینجا حضرت سلیمان (علیه السلام) دارد در وصف یک نفر با نام محمد صحبت می کند. به آن ها می گوید: «بروید کنار! من یک

۱ سیدعلی محمد شیرازی ملقب به باب و بنیان گذار فرقه ضاله «بابیه»، از مدعیان بابت امام دوازدهم شیعیان که بعدها مدعی مهدویت و نبوت شد.

۲ لقب میرزااحسینعلی نوری، بنیان گذار بهائیت.

۳ بهائیت، فرقه ای منشعب از آیین بابی که توسط «میرزااحسینعلی نوری» معروف به بهاء الله بنیان گذاری شده است. بهائیان این آیین را دین می خوانند، ولی مسلمانان عموماً آن را به رسمیت نشناخته و آن را فرقه ای منحرف می شمارند و معمولاً تعبیر «فرقه ضاله» را برای آن به کار می برند.

۴ «مشیاخ» در زبان عبری به معنای مسح شده، تذهین شده و تقدیس شده (به وسیله روغن مخصوص) است. و «مسیح» مشتق از واژه عبرانی «ماشیاخ» و «مشیاخ» می باشد. اصطلاح مسیحا باوری بر نهضت، یا نظامی از عقاید و نظرات دلالت می کند که محور آن انتظار ظهور یک مسیح است.

۵ غزل غزل ها یا نشیدالانشاد، یکی از بخش های تنخ عبری و عهد عتیق در انجیل است. نویسندگی کتاب به حضرت سلیمان پسر حضرت داوود (علیه السلام) نسبت داده شده است.

کسی را می‌شناسم که این چنین است.» رسماً الآن یهودیان وقتی این را می‌خوانند **ماَحَمَدِیم** تلفظ می‌کنند. من این را از سایت خود کتاب مقدس گرفتم.

تمام مواردی که گفتم، در دسترس است. بروید کتاب مقدس را باز کنید و ببینید. به شما آدرس دادم که بخوانید. به کتاب "تَبوُّت هیلد (وحی کودک)"^۱ چون در دسترس همه نیست، اشاره نکردم، وگرنه در وحی کودک هم در حرف میم، **مُحَمَّدَا** آمده است: «پیامبری از فرزندان آن زن کنیز (هاجر) می‌آید. صاحب شمشیر است. بر دشمنانش پیروز می‌شود. دینی ابدی می‌گذارد.» در کتاب وحی کودک، تا ظهور آقا صاحب الزمان عجل الله فرجه را ریز آورده است. ماجرای کربلا را هم دارد، که آن را قبلاً گفتم. اشاره دارد به: «**قِفَا**، سری از پشت بریده خواهد شد.» در سخنرانی "شجره ملعونه" خدمت شما عرض کردم.

من آیه ۱۶ از باب ۵ را در google translate گذاشتم. البته google translate زیاد سندیت ندارد، آن سایت اصلی برای من مهمتر است. دیدم همه کلمات، به جز این یک دانه را می‌تواند ترجمه کند. چون این اسم است. آن شیطنتی که آن خاخام‌ها دارند این نرم‌افزار ندارد. آخر چه کسی اسم را ترجمه می‌کند که این ترجمه کند؟!

این **ایم** که در آخر اسم آمده است در زبان عبری به معنای جمع است. برای احترام هم استفاده می‌شود. من بقیه این‌ها را حذف کردم، به اصل کلمه رسیدم، باز **مُحَمَّدِیم** است. **م ح م د، ایم** هم به نشانه جمع آمده است. در جای دیگر تورات **م ح م د** بدون **ایم** هم وجود دارد. بسیار زیبا اشاره کرده است. محمد را به صورت **م ح م د** آورده است که در آن واحد شامل دو نفر می‌شود. ما نام مبارک آقا صاحب الزمان عجل الله فرجه را به صورت **م ح م د** می‌گوییم.

کتاب حزقیال نبی

در کتاب حزقیال نبی^۲ می‌گوید:

در روزی که من قوت و سرور و فخر و آرزوی چشمان و رفعت جان‌های ایشان یعنی پسران و دختران ایشان را از ایشان گرفته باشم آیا واقع نخواهد شد؟ که در آن روز هر که رهایی یابد نزد تو آمده این را به سمع تو خواهد رسانید. پس در آن روز دهانت برای آنانی که رهایی یافته‌اند باز خواهد شد و متکلم شده دیگر گنگ نخواهی بود و برای ایشان آیتی خواهی بود و خواهند دانست که من بیهوه می‌باشم. (حزقیال نبی - باب ۲۴ - آیات ۲۵ تا ۲۷)

این ترجمه فارسی‌اش بود. در ترجمه لفظ عبرانی این آیه دوباره نام مبارکی را می‌بینیم که آن را ترجمه کردند: **م ح م د**. دوباره محمد هست.

۱ کتاب مخفی یهود. این کتاب شرح پیشگویی‌های کودکی یهودی است که به محض تولد به سجده رفت و سپس کلماتی را به زبان آورد که آیات این کتاب را تشکیل می‌دهند.

۲ کتاب حزقیال؛ یکی از کتاب‌های عهدعتیق و شامل ۴۸ باب و دربردارنده موضوعاتی چون سقوط اورشلیم، ملت‌های بیگانه و اتحاد دوباره بنی‌اسرائیل است.

کتاب مراثی ارمیای نبی

آیه دیگری را ببینید:

کمان خود را مثل دشمن زه کرده، با دست راست خود مثل عدو بر پا ایستاده است و همه آنانی را که در خیمه دختر صهیون^۱ نیکو منظر بودند به قتل رسانیده، غضب خویش را مثل آتش ریخته است. خداوند مثل دشمن شده اسرائیل را هلاک کرده. (مراثی ارمیای نبی^۲ - باب ۲ - آیات ۴ و ۵)

دارد از کسی صحبت می کند که با آمدنش قرار است خدا از بنی اسرائیل انتقام بگیرد، هر چند او با بنی اسرائیل کاری نداشته است. چه کسی است؟ اولی است یا دومی؟ این **م ح م د**، یا آن **م ح م د**؟ وقتی این را هم در google translate گذاشتم - از Hebrew (عبری) به فارسی - دیدم این **م ح م د** هم یک حرف اضافه دارد که این حرف شاهکار است؛ کلمه ای می بینید که خشکتان می زند: محمد. اصلاً منتسب به آقا رسول الله ﷺ است. این ها خوب خبر دارند. در کتاب یوئیل نبی^۳ هم موارد متعدد هست.

کتاب هوشع نبی

یک مثال هم از کتاب هوشع بیاورم:

إفرائیم^۴ خشک شده و ریشه ایشان خشک گردید، میوه نمی آورند. و اگر نیز بزایند نتایج مرغوب رحم ایشان را از بین می برم. (هوشع نبی - باب ۹ - آیه ۱۶)

آن میوه نیاوردن را یادتان است، درخت انجیر را مثال زدم که دیگر تمام می شوند؟ مگر خدا وعده نداده بود باید کثیر شوند؟ گفت این شجره خشکید. شجره دیگری در راه است. اینجا هم باز شیطنت صورت گرفته است. در این کتاب هم شما دوباره کلمه **م ح م د** را می بینید. اینجا لفظ محمد را به عنوان دلپذیر، مرغوب و خوشایند ترجمه کردند. شبیه اینکه ما بیاییم مثلاً کلمه علی را ترجمه کنیم. علی به معنی بالا، بلندمرتبه است. وقتی ما می گوییم: «علی را دیدم»، آن شخص به جای علی بگوید: «بالا را دیدم!» قرآن به ما گفت:

﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾^۱

۱ صهیون نام کوهی در جنوب غربی اورشلیم است. در متون دینی یهود، صهیون، اشاره به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داوود علیهِ السلام و سلیمان علیهِ السلام و تجدید دولت یهود دارد. به دیگر سخن، صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمانروایی بر جهان است و از این رو، یهودیان خود را فرزندان صهیون می دانند.

۲ مراثی ارمیا یکی از کتب عهد عتیق با موضوعات ویرانی اورشلیم، اسارت یهودیان، نبی گریان ارمیا، جوانان اورشلیم، خداوند اورشلیم را با خشم خود پوشاند.

۳ کتاب یوئیل یکی از کتاب های کتاب مقدس عبری (برای یهودیان تنخ و برای مسیحیان عهد عتیق) است. حضرت یوئیل پسر فتوتیل، دومین پیامبر از دوازده پیامبر کوچک است.

۴ آفرائیم، از فرزندان حضرت یوسف علیهِ السلام.

این‌ها استاد تحریف کردن کلمات از جایگاه خودشان هستند. به‌خاطر همین هم خدا می‌گوید: «حجت بر شما تمام است. شما از همه بهتر خبر دارید. منتها آن تعصبتان باعث می‌شود نیایید.»

کثرت

یک نکته‌ای هم بگویم در مورد کثرت که از کجا صورت گرفته است. می‌خواهم بدانید در عرفان شیطانی این‌ها یعنی کابالا^۲، چه معنی‌ای پیدا کرده است و این‌ها به کجا می‌خواهند برسند. درخت کابالای^۳ این‌ها ۱۰ تا میوه و ۲۲ حرف دارد. با این به قلمرو می‌رسند و کل دنیا را می‌گیرند و به ملکوت خدا می‌رسند. عدد ۳۳^۴ یعنی بعد از خدا، یعنی کثرت این‌هاست. دلیل اصلی ۳۳ که این‌ها از درخت کابالا به دلیل تقدسش بیرون می‌کشند، کثرتی است که این‌ها بعد از دست‌یافتن به ملکوت خدا به دست می‌آورند. می‌خواهند بگویند که روی زمین خَلِيفَةُ اللَّهِ می‌شوند.

این نسب‌نامه‌ای است که اهل سنت هم در حلب^۵ چاپ کردند. قیدار یا قیدار یا حیدار، همین نام حیدر است. زمانی که آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) زد و خیبر^۶ را پایین کشید، آن خاخام بزرگشان که آن بالا بود گفت: «نام او چیست؟» گفتند: «علی» گفت: «در پیش‌گویی‌های ما آمده کسی که اینجا را پایین می‌آورد اسمش حیدر است.» گفتند: «درست می‌گویی، مادرش نامش را حیدر گذاشته است.» آن شعار «خیبر خیبر یا صهیون، حیش مُحَمَّد قَادِمُون» را که می‌گویی، آن‌ها حساب و کتاب دستشان می‌آید.

حالا نسب‌نامه را بشماریم: ۱. ابراهیم؛ ۲. اسماعیل؛ ۳. قیدار؛ ۴. حَمَل؛ ۵. نَبْت؛ ۶. سَلامان؛ ۷. اَلْهَمِيسَع؛ ۸. اَلْيَسَع؛ ۹. اُد؛ ۱۰. اُد؛ ۱۱. عَدنان؛ ۱۲. مَعَد؛ ۱۳. نَزَار؛ ۱۴. مُضَر؛ ۱۵. اَلْيَاس؛ ۱۶. مُدْرَكَة؛ ۱۷. حُزَيْمَة؛ ۱۸. كَنَانَة؛ ۱۹. قَيْس یا النَّصَر؛ ۲۰. مالک؛ ۲۱. فِهْر یا قُرَيْش، قریش که می‌گویند از این فرد جدا می‌شوند؛ ۲۲. غَالِب؛ ۲۳. لَوی؛ ۲۴. كَعْب؛ ۲۵. مَرَة؛ ۲۶. كِلَاب؛ ۲۷. قُصَى؛ ۲۸. عَبْدَمَنَاف؛ ۲۹. هَاشِم؛ ۳۰. عَبدالمَطْلَب؛ ۳۱. عَبدالله؛ ۳۲. مُحَمَّد؛ ۳۳. زهرا ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾^۷. این‌ها می‌خواهند او را بیاورند.

۱. سوره مائده، آیه ۱۳: «کلمات خدا را از جایگاه اصلی و معنای حقیقی‌اش تغییر می‌دهند.»

۲. معنی لغوی کابالا کهنه و قدیمی است، اما به‌طور خاص کابالا نامی است که به نوعی عرفان و تصوف خودساخته قوم یهود اطلاق می‌شود. پیروان این تصوف را کابالیست گویند.

۳. کتاب مقدس پیروان کابالا "زوه" نام دارد. از این کتاب درختی استخراج شده به نام سفیروت (شمارگان) که اصول و مبنای اعتقادی کابالا در واقع همین درخت تمثیلی است. به این درخت، درخت زندگی نیز گفته می‌شود.

۴. در رتبه‌بندی فراماسونری که از رتبه ۱ تا ۳۳ است کسی که به رتبه ۳۳ برسد صاحب قدرت زیادی است و ماسون اعظم نامیده می‌شود. در رتبه‌بندی اعداد فراماسون‌ها تمامی مضارب عدد ۱۱ مخصوصاً مضرب ۳ مقدس است.

۵. حلب نام بزرگ‌ترین شهر و پایتخت تجاری سوریه و یکی از کهن‌ترین شهرهای منطقه‌ی خاورمیانه است.

۶. غزوه خَیْبَر از غزوات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برابر یهودیان منطقه خَیْبَر که در ماه محرم سال هفتم هجری آغاز شد و در ماه صفر با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

۷. سوره کوثر، آیه ۱: «بی‌تردید ما به تو خیبر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه (علیها السلام) ریشه می‌گیرد] عطا کردیم.»

حالا از این به بعد نام مبارک آقا رسول الله ﷺ یک جور دیگر در دلت می افتد، که چه کسانی منتظرش بودند و چه قدر او ویژه است و او وعده داده است که:

﴿يُظْهِرُهُ دِينَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۱

Masafir

دعای فرج

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ

خدایا بلا و گرفتاری بزرگ شد و راز پنهان آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد

وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ

و امید قطع شد و زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد

وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ

و تویی یاور و شکوه به سوی تو است، و اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی بر تو است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدایا درود فرست بر محمد و آل او،

أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ

آن زمامدارانی که پیرویشان را بر ما واجب کردی و بدین وسیله منزلت و مقامشان را به ما شناساندی

فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ

به حق ایشان به ما گشایشی ده فوری و نزدیک مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ

ای محمد ای علی، ای علی ای محمد

إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ انْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ

مرا کفایت کنید کہ شما بیید کفایت کننده ام و مرا یاری کنید کہ شما بیید یاور من

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ای مولای من ای صاحب الزمان

الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ

به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس

أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي

مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب

السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت

الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ

الان، الان، الان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

ای خدا ای مهربان ترین مهربانان به حق محمد و آل پاکیزه اش

منابع

۱. صحیفہ مہدیہ، اثر سیدمرتضی مجتہدی سیستانی، ترجمہ مؤسسہ اسلامی ترجمہ، نشر الماس، چاپ انصارالمہدی ﷺ
2. <http://www.parsquran.com>
3. <http://lib.motahari.ir/Content/852/121>
4. <http://bible.pearmobile.com/headers.php?id=30>
5. <http://antiobelisk666.mihanblog.com/post/3>
6. www.shohada200.blogfa.com/post-17.aspx
7. <http://fa.wikishia.net>
8. <http://lib.efatwa.ir>
9. <http://lib.eshia.ir/>
10. <https://hawzah.net>
11. <https://www.montazar.net/>
12. [http://rasekhoon.net/article/show/1140192/%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D8%B8%D9%87%D9%88%D8%B1-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%AF%D8%B1-%D9%83%D8%AA%D8%A8-%D8%A7%D9%86%D8%A8%DB%8C%D8%A7-\(2\)/](http://rasekhoon.net/article/show/1140192/%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D8%B8%D9%87%D9%88%D8%B1-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%AF%D8%B1-%D9%83%D8%AA%D8%A8-%D8%A7%D9%86%D8%A8%DB%8C%D8%A7-(2)/)
13. <http://www.ghadeer.org/Book/1049/154336>
14. http://wiki.ahlolbait.com/%D9%81%D8%AE%D8%B1_%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_ref-10
15. http://wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82_%D9%81%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85
16. [https://www.noorhadith.ir/hadith/346943/%D8%A7%D9%84%D8%BA%D9%8A%D8%A8%D8%A9-\(%D9%84%D9%84%D9%86%D8%B9%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C\)/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82-\(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85\)?SourceID=1507&PageType=ViewTranslate](https://www.noorhadith.ir/hadith/346943/%D8%A7%D9%84%D8%BA%D9%8A%D8%A8%D8%A9-(%D9%84%D9%84%D9%86%D8%B9%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C)/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82-(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)?SourceID=1507&PageType=ViewTranslate)
17. <http://hadith.net/post/47926/%D8%B6%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%AA-%D8%AD%D8%B6%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%AD%D8%AC%D8%AA->

[%D8%AE%D8%AF%D8%A7-%D8%A8%D9%87-](#)

[%D8%B9%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86-%D9%88%D8%A7%D8%B3%D8%B7%D9%87-](#)

[%D9%81%DB%8C%D8%B6-%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C/](#)

18. [https://elm.persianblog.ir/WlAZMLnE0WCrjIBaXRyM-%D9%85%D8%B3%DB%8C%D8%AD-](https://elm.persianblog.ir/WlAZMLnE0WCrjIBaXRyM-%D9%85%D8%B3%DB%8C%D8%AD-%D8%A8%D9%87-%D8%B5%D9%84%DB%8C%D8%A8-%DA%A9%D8%B4%DB%8C%D8%AF%D9%87-%D9%86%D8%B4%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA)

[%D8%A8%D9%87-%D8%B5%D9%84%DB%8C%D8%A8-](#)

[%DA%A9%D8%B4%DB%8C%D8%AF%D9%87-%D9%86%D8%B4%D8%AF%D9%87-](#)

[%D8%A7%D8%B3%D8%AA](#)

19. http://www.sibtayn.com/fa/index.php?option=com_content&view=article&id=573&Itemid=862

20. [http://thaqalain.ir/%D8%A7%D8%AB%D8%A8%D8%A7%D8%AA-](http://thaqalain.ir/%D8%A7%D8%AB%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DA%AF%DB%8C-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%86-%D8%AC%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%D8%B9%D8%B8%D9%85-%D8%A7%D8%B3)

[%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DA%AF%DB%8C-](#)

[%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%86-%D8%AC%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86-](#)

[%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-](#)

[%D8%A7%D8%B9%D8%B8%D9%85-%D8%A7%D8%B3](#)

21. [https://article.tebyan.net/44213/%D8%B3%D9%81%D8%B1-](https://article.tebyan.net/44213/%D8%B3%D9%81%D8%B1-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D9%85-%D8%A8%D9%87-%D8%B4%D8%A7%D9%85-%D9%88-%D9%85%D9%84%D8%A7%D9%82%D8%A7%D8%AA-%D8%A8%D8%A7-%D8%B1%D8%A7%D9%87%D8%A8)

[%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1-](#)

[%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D9%85-%D8%A8%D9%87-%D8%B4%D8%A7%D9%85-](#)

[%D9%88-%D9%85%D9%84%D8%A7%D9%82%D8%A7%D8%AA-%D8%A8%D8%A7-](#)

[%D8%B1%D8%A7%D9%87%D8%A8](#)



مقام معظم رهبری

«خداي متعال از پيامبرانِ بزرگِ طولِ تاريخِ تعهد گرفته است که به پيغمبر اسلام هم ايمان بياورند، هم او را ياري کنند. خب ايمان که معلوم است. ياري به معنای اين است که او را به کسان خودشان، به امت خودشان، به پيروان خودشان معرفي کنند و از آن‌ها بخواهند که به او بگروند و ايمان بياورند؛ حداقل نصرت پيغمبران اين است؛ خداوند اين را از اين‌ها پيمان گرفته. لذا شما ملاحظه مي‌کنيد در يک آيه‌اي از قرآن مي‌فرمايد: الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ؛ يعنى نام و نشان و خصوصيات پيغمبر ما، در تورات و انجيل تحريف نشده وجود داشته است.»

۹۹/۰۱/۰۳